قانون محاکمات

کتبخانہ تالیف و ترجمہ جامعہ عثمانیہ

۱۳۲۷



قانون محاکمات

جزائی



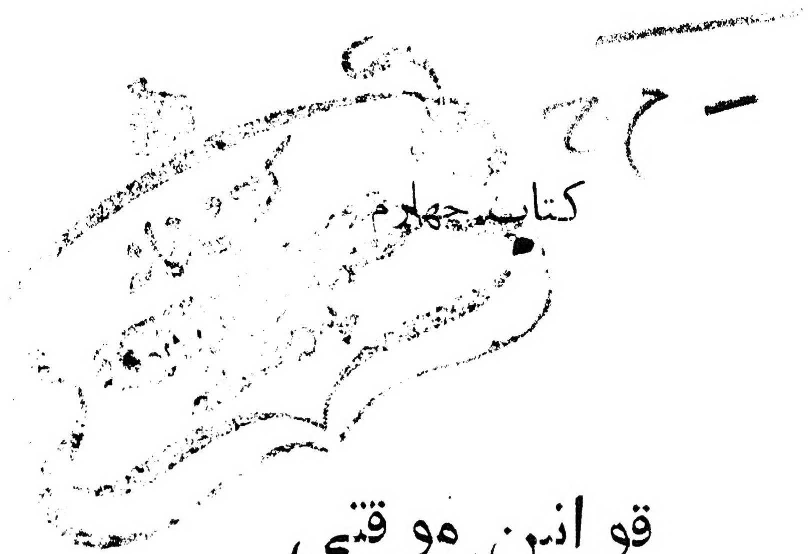
چاپخانه اتحادیه طهران لالهزار

[illegible] کا ستارہ

ناول

[illegible]

لاہور



قوانین موقتی

محاکمات جزائی

چاپ چهارم تیر ماه ۱۳۰۹

چاپخانه « **اتحادیه** » لاله‌زار

کتاب چهارم

قوانین موقتی

محاکمات جزائی

مقدمه

ماده ۱ ـ **اصول** محاکمات جزائی عبارت‌است از ترتیبات و قواعدی که وضع شده برای کشف و تحقیق جرائم و تعیین مسئولیت مجرمین برحسب مقررات قانونیه

ماده ۲ ـ محکومیت بجزاناشی ازجرم است وجرم میتواند دو حیثیت داشته باشد .

(اول) حیثیت عمومی از جهتی که مخل نظم و حقوق عمومی است

(دویم) حیثیت خصوصی از آنجهت که راجع بتضررشخص یا اشخاص یاهیئت معینی است علیهذا جرمی که دارای‌دو حیثیت‌است موجب دوادعا میشودادعای‌عمومی

برای حفظ حقوق عمومی وادعای خصوصی برای مطالبهٔ ضرر و زیان شخصی

مادہ ۳ ـ اقامهٔ دعوی وتعقیب مجرم یامتهم بجرم از حیث حقوق عمومی برعهدهٔ ادارهٔ مدعی العموم‌است واقامهٔ دعوی ازحیث ضرر و زیان شخصی برعهدهٔ مدعی خصوصی‌است (رجوع بمادهٔ۹) مستثنیات این‌ماده درموارد آتیه مصرح است

ماده ٤ ـ درآن‌قسمت امورجزائی که راجع‌بمحاکم صلحیه است وحیثیت عمومی آنها دارای اهمیتی نیست اقامه دعوی و تعقیب امرجزائی بر عهدهٔ مدعی خصوصی است وهمچنین موافق قوانین بعهدهٔ مأمورین نظمیه است که در این موارد تااندازهٔ که قانون معین کرده قائم‌مقام مدعی العموم هستند

ماده ٥ ـ امور جزائی راجعه بمحاکم جنحه و جنایت بر دو نوع است .

(اول) اموری که حیثیت عمومی‌آن دارای اهمیت مخصوصی است .

(دویم) اموری که هر چند حیثیت عمومی دارد ولی اهمیت آن از حیث نظام مملکتی و آسایش عامه

بدرجه امور نوع اول نیست

ماده ٦ ـ در امورجزائی نوع اول اقامه دعوی و تعقیب برعهدهٔ مدعی‌العموم‌است چه مدعی خصوصی اقامهٔ دعوی‌کرده چه‌نکرده باشد درامور نوع ثانی مدعی‌العموم تعقیب نمینماید مگر این که بدواً مدعی خصوصی اقامه دعوی کرده باشد

تبصره ـ تفکیك امورنوع اول از نوع دویم و تعیین اینکه کدام امر جزائی از کدام نوع است در قانون جزائی مصرح است

مادهٔ ٧ ـ تعقیب امر جزائی و حفظ حقوق عمومی فقط نسبت بمرتکب جرم و کسانی خواهد بود که شرکت در آن جرم داشته اند

مادهٔ ٨ ـ تعقیب امر جزائی که از طرف مدعی‌العموم موافق قانون شروع شده موقوف نمیشود مگر درمواردذیل «اول» بواسطه فوت یاجنون متهم یامقصر «دویم» در صورت صلح مدعی خصوصی و متهم در مواردی که بصلح طرفین تعقیب امر جزائی ترك میشود (رجوع بقانون جزا)

« سیم » در موقع صدور عفو عمومی در مورد

تقصیرات سیاسی «چهارم» در مواقعی که بواسطه مرور زمان در موارد تقصیرات عرفی موافق مقررات قانو ن مملکتی تعقیب ممنوع است .

ماده ۹ ـ شخصی که ازوقوع جرمی متحمل ضرر و زیانی (یعنی خسارت مالی) شده است و در ضمن ادعای عمومی (از طرف مدعی‌العموم) مطالبهٔ غرامت و خسارت مینماید مدعی خصوصی محسوب می شود

ماده ۱۰ ـ هر گاه قبل از صدور حکم محکمه مجرم یا متهم فوت شود ادعا ی خصوصی بجای خود باقی خواهدبود کلیتاً اسقاط حقوق‌عمومی‌بجهتی از جهات قانونی موجب اسقاط حقوق خصوصی نمیشود

مادهٔ ۱۱ ـ بادعای خصوصی تا زمانی که متضمن خلاف و یا جنحه و جنایت نباشد در محکمه جزا رسیدگی نخواهد شد

ماده ۱۲ ـ محاکم جزا حق رسیدگی را بادعای خصوصی نسبت بضرر و زیان و خسارت که از خلاف یا جنحه و یاجنایت حاصل شده است ندارند مگر در صورتی که شخص متهم بواسطهٔ حقوق عمومی جلب در وحین رسیدگی‌بحقوق عمومی حقوق خصوصی نیز معین

گردد در این صورت محاکم جزا در حقوق خصوصی نیز حکم مقتضی صادر مینمایند

ماده ۱۳ ـ چون رسیدگی بدعوی خصوصی در محاکم جزا فرع بردعوی عمومی است پس از صدور حکم دربرائت ذمه متهم محکمهٔ جزا دیگر نمیتواند دعوی خصوصی را تعقیب نماید ولی مدعی خصوصی در این مورد میتواند بمحکمهٔ حقوق رجوع نموده ضرر و زیان خود را مطالبه کند .

ماده ۱٤ ـ پس از آنکه محکمه جزا درخصوص دعوی عمومی حکمی صادر نمود در همان مجلس حکم دعوی خصوصی رانیز صادر می‌کند واگر حکم دعوی خصوصیرا صادر نکرد مدعی خصوصی درصورتیکه ایفای حق خصوصی خود را بخواهد باید بمحکمهٔ حقوق رجوع نماید .

ماده ۱٥ ـ درصورتیکه کسی محکمه‌حقوق راابتداء مرجع دعوی خصوصی خود قرارداد دیگر دعوی مزبور درمحکمهٔ جزا پذیرفته نمیشود و همچنین اگرکسی تاجلسه اول محاکمهٔ جزائی ادعای خصوصی ننموده دیگر ادعای مزبوره در محکمه جزائی پذیرفته نمیشود .

ماده ۱٦ ـ هرگاه‌کسی ادعای خصوصی در محکمه جزا نمود ولی صدورحکم ازحیث حقوق عمومی بجهتی

از جهات قانونی بتاخیر افتاد مدعی خصوصی میتواند درباب مطالبه ضرروزیان خودبمحکمهٔ حقوق رجوع نماید

مادهٔ ۱۷ ـ هرگاه ثبوت تقصیر متهم منوط است به مسائلی که محاکمه و ثبوت آن از خصایص محاکم حقوقی است مثل حق مالکیت و افلاس امر جزائی تعقیب نمیشود و اگر تعقیب شده معلق مینماید تاحکم قطعی از محکمهٔ حقوق صادر شود



باب اول

در تفتیش جرم و تحقیقات مقدماتی

فصل اول

در اشخاصی که به تفتیش و تحقیق

جرائم مامورند

ماده ۱۸ ـ تحقیقات مقدماتی جرائمی که محاکمه آنها راجع بمحاکم جنحه وجنایات است بعهده مستنطق است اداره نظمیه و همچنین در مواردیکه قانون معین میکند اداره ژاندارمی وامنیه درتحت نظارت مدعی العموم محکمه ابتدائی بمستنطق محکمه در کشف جرائم و تحقیقات مقدماتی معاونت مینمایند وازاین حیث ازضابطین عدلیه محسوبند ـ

ماده ۱۹ ـ ضابطین عدلیه عبارتند از مامورینی که مکلفند به تفتیش و کشف جرائم (خلاف وجنحه و جنایت) و باقداماتی که برای جلوگیری مرتکب یامتهم از

فرار یا مخفی شدن موافق مقررات قانون باید بعمل آید ضابطین مذکوره بترتیب ذیل تقسیم میشوند (اول) مدعی عمومی ابتدائی و معاونین او (دوم) مستنطق (سیم) کمیسر های پلیس و قایم مقام آنان « چهارم » صاحبان مناسب و رؤساء بریکاد ژاندارم و امنیه مدعی عمومی رئیس ضابطین عدلیه محسوب ولی مأموریت مخصوص و عمده او تعقیب امور جزائی است حدود وظایف هر کدام از مأمورین مذکور بطوری است که در اینباب مقرراست

فصل دوم

در تکالیف کمیسر های پلیس و قایم مقام آنان از حیثی که از ضابطین عدلیه محسوبند

ماده ۲۰ — کمیسرهای پلیس وقایم مقام آنان همینکه از وقوع جرمی مطلع شدند هرگاه جرم بدرجه جنایت باشد فوراً مراتب را بمدعی‌العموم یا معاون او اطلاع میدهند و اگر جرم از درجه جنحه یا خلاف باشد تحقیقات نموده صورت مجلس را در صورت اولی «جنحه» نزد

مدعی‌العموم ابتدائی و در صورت ثانوی «خلاف» نزد امین صلح میفرستند

ماده ۲۱ ـ وقتیکه علامات و امارات وقوع جرمی مشکوك باشد یانظمیه باخبار افواهی مطلع از وقوع جرمی بشود و یا کلیه اطلاعات نظمیه از منابع صحیحی نباشد کمیسرهای نظمیه باید قبل از دادن اطلاع بمقامات لازمه تحقیقات در صحت و سقم شایعه یا خبر بعمل آورده معلوم نمایند که واقعه روی داده یا نه و اگر اتفاقی افتاد علائم و آثار جرمی را داراست یا نه نتیجه تحقیقات خود را در این موارد نظمیه بمدعی‌العموم ابتدائی یا معاون او اطلاع میدهد و مشارالیه نظر بنتیجه تحقیقات دنبال کردن تحقیقات و تعقیب مسئله را موقوف میدارد و یا تکمیل آن را از نظمیه میخواهد

ماده ۲۲ ـ تحقیقات کمیسرهای نظمیه درمورد ماده قبل عبارت است از تفتیش و تفحص و استعلامات شفاهی و نظارت مخفی نسبت باشخاص مظنون بدون اینکه نظمیه حق داشته باشد داخل شود بمنزل کسی برای معاینات و بدست آوردن اسباب جرم و تحقیق آن واقعه

ماده ۲۳ ـ درموارد ذیل کمیسر های نظمیه مکلفند

تا وقتیکه مدعی‌العموم یامعاون او درمحل وقوع جرم حاضر نشده اقدامات لازمه را برای جلوگیری از اعدام و اضمحلال اثرات جرم وفرار مجرم یا متهم بعمل آورند

(۱) در موارد جرایم مشهوده یعنی در صورتیکه مجرم در حین ارتکاب یا بلا فاصله بعد از ارتکاب دیده شده

(۲) در مواردیکه مجنی علیه یا مدعی و شهود واقعه مستقیماً شخص مظنون را نشان داده او را مرتکب جرم بدانند «۳» وقتی که در نزد متهم یا در خانه او علائم واضح جرمی کشف شود

«۴» در صورتیکه معلوم شود که اسباب ودلائل جرم متعلق بمتهم است و یا نزد اوست

«۵» وقتیکه متهم قصد فرار داشته یا در حین فرار یا پس از آن گرفتار شده

«۶» وقتیکه متهم اقامتگاه دائمی ندارد یا در جائی مقیم نبوده و مسکن و ماوای معین ندارد

ماده ۲۴ ـ کمیسر های نظمیه نمیتوانند قایم مقام مستنطق واقع شده تحقیقات بعمل آورند مگر درموارد جرم مشهود یا در موردیکه صاحب خانه خود دخول نظمیه را بخانهٔ خود تقاضا کنند و همچنین در موردیکه درغیاب

مستنطق یا مدعی‌العموم میتوان علائم و امارات جرم‌را معدوم نمود در این موارد کمیسر های نظمیه قائم مقام مستنطق واقع شده تحقیقاتی را که فوریت دارد بعمل میاورند تحقیقات مزبوره عبارت است از معاینات وتفتیش و تفحص درمنزل مجرم و تحصیل و حفظ آلات واسباب جرم در این موارد استنطاق متهم و طرفش و همچنین استماع شهادت شهود تا ورودمستنطق یامدعی العموم بمحل وقوع جرم جایز است

ماده ۲۵ ـ اقدامات کمیسر های نظمیه در مورد دو ماده قبل‌موافق‌قواعدو ترتیباتی است که برای تحقیقات مقدماتی مقرر است « رجوع بفصل پنجم اینباب »

ماده ۲۶ ـ کمیسر نظمیه بعد از ورود مستنطق یا مدعی‌العموم تحقیقاتی را که کرده بمشار الیه داده ودیگر مداخله نمیکند مگر اینکه تعلیماتی یا مأموریتی از طرف مستنطق یا مدعی‌العموم بکمیسری نظمیه رجوع شود

ماده ۲۷ ـ قواعد مقرره در این فصل راجع بکمیسرهای نظمیه همچنین شامل کدخدا و اشخاصی است که رسماً قائم مقام کمیسر های نظمیه هستند

فصل سیم

درصاحبمنصبان و رؤساء بریگارد ژاندارم و امنیه

ماده ۲۸ ـ صاحبمنصبان ژاندارم و امنیه مکلفند کلیه وقایعی را که دارای حیثیت جنحه و جنایت است بمدعی‌العموم ابتدائی محل و نظمیه اطلاع بدهند

ماده ۲۹ ـ در صورتیکه رؤساء بریکارد ژاندارم و امنیه مشاهده کنند تا ورود مدعی‌العموم یا مستنطق ممکن است آثار و امارات جرم معدوم شود یا خود متهم فرار نماید باید اقدامات لازمه را برای جلوگیری از فرار متهم و اعدام آثار و علائم جرم بعمل آورند

ماده ۳۰ ـ مدعیان عمومی و معاونین آنان میتوانند در مواردی که لازم بدانند تفتیشات راجعهٔ بجرم را بصاحبمنصبان ژاندارم رجوع نمایند این تکلیف مدعی‌العمومی برؤساء ژاندارم کتباً یا شفاهاً ابلاغ میشود

ماده ۳۱ ـ صاحبمنصبان ژاندارم در حین اجرای تفتیش موافق ماده «۲۲» رفتار مینمایند در صورتیکه

سوء تفاهمی حاصل شود یا دچار اشکالی شوند از مدعی العموم محکمه ابتدائی که در حوزهٔ آن واقعند تعلیمات لازمه را میخواهند و نتیجه تفتیش خود را نزد همان مدعی‌العموم ارسال میدارند

ماده ۳۲ — مدعیان عمومی هرگاه مشاهده کنند که تفتیش اداره ژاندارم ناقص است می توانند تکمیل آنرا بخواهند .



فصل چهارم

درحدود اختیارات مدعی‌العموم

محکمه ابتدائی و مستنطق

مبحث اول

در حدود اختیارات مدعی‌العموم

ابتدائی و معاون او

ماده ۳۳ ـ مدعیان عمومی محاکم ابتدائی ومعاونین آنان خودشان متصدی تحقیقات مقدماتی نمیشوند مگر در مورد مذکور در ماده « ٤۰ » ولی تعلیمات لازمه دراین باب بمستنطقین داده به تحقیقات ایشان نظارت دارند.

ماده ۳٤ ـ مقدمات واشخاص رسمی در مواردیکه باید جزائی‌راتعقیب نمودمراتب رابمدعی‌العموم اطلاع میدهند

ماده ۳۵ ـ نسبت به تفتیش جرم کمیسر های نظمیه و قایم مقام آنان در تحت اطاعت مدعیان عمومی هستند

ماده ۳٦ ـ مدعیان عمومی حق دارند در تحقیقات مقدماتی حضور بهمرسانیده ترتیبات تحقیقات را مشاهده نمایند بدون اینکه بتوانند جریان تحقیقات راتوقیف کنند

ماده ۳۷ ـ مستنطقین در موقع تحقیقات راجعه بجنحه وجنایت تقاضای قانونی مدعی‌العموم را مجری داشته مراتب را درصورت مجلس یا دفتر قید میکنند و هرگاه در موقع اجرای تقاضای مدعی‌العموم مستنطق دچاراشکالی شود حتی المقدور اجرای آن تقاضا را کرده در باب اشکال بمدعی‌العموم رجوع کرده منتظر حل‌مشکل‌خودمیشود

ماده ۳۸ ـ درموردیکه مستنطق متهم را توقیف میکند باید فورا بمدعی‌العموم اطلاع دهد ومشارالیه میتواند توقیف را تصویب نکرده نظر باوضاع و احوال مسئله‌و عدم وجود ظن کافی در بارهٔ متهم جنائی از مستنطق تبدیل آنرا باقدام دیگری که ملایم تر و خفیف تر باشد بنماید در این صورت‌مستنطق امر مدعی‌العموم‌رامجری میدارد در موردیکه مدعی‌العموم امر جنائی یا جنحه را بمستنطق رجوع میکند باید در تقاضانامه خود اظهار دارد که توقیف‌متهم لازم‌است یاخیر اگر مستنطق آن تقاضا را لازم بداند برطبق آن اقدام میکند و اگر رأی او

مخالف باشد حکم میدهد و دلایل خودرا مشعر براینکه توقیف مورد نداشته اظهار میدارد و بلافاصله دوسیه کار را بمدعی العموم ابلاغ میکند ومشارالیه میتواند درظرف ۲٤ ساعت نسبت بحکم مستنطق استیناف بخواهد

وهمچنین هرگاه متهم توقیف شده وعقیدهٔ مستنطق بر رهائی او باشد دوسیه کاررا بمدعی‌العموم ابلاغ میکند واو دستور لازم را داده و مستنطق فوراً حکم خود را میدهد و اگر این حکم برخلاف دستور مدعی‌العموم باشد مشارالیه میتواند درظرف ۲٤ ساعت برحکم مذکوراعتراض کند واین اعتراض بمحکمه استیناف داده میشود و در صورت اختلاف در صلاحیت محاکم مابین مدعی العموم و مستنطق درظرف ۲٤ ساعت مدعی العموم میتواند نسبت بحکمی که مخالف رأی اوست استیناف بخواهد

ماده ۳۹ ـ در صورتیکه مدعی العموم یا معاون او تحقیقات مستنطق را ناقص به بیند میتوانند تکمیل آنرا از مستنطق بخواهند و لو اینکه مستنطق تحقیقات خود را قابل بداند

ماده ٤۰ ـ مدعی عمومی در موارد جنایات مشهوده مستنطق را اخبار نموده ولی برای تفتیش وتحقیق مجبور نیست که انتظار اورا داشته باشد بلکه خود را بمحل

وقوع جنایت فوراً رسانیده تحقیقات لازمه‌را از استعلام از مطلعین وشهود کشف آلات وادوات جرم ومعاینهٔ‌محل وغیره تا ورودمستنطق بعمل‌میآورد تحقیقات مدعی العموم در موارد جنایات مشهوده موافق ترتیباتی است‌که‌برای تحقیقات مقدماتی در فصل پنجم این باب مقرراست .

ماده ۴۱ ـ غیر ازموارد جنایت مشهود مدعی‌العموم نمیتواند رأساً وظایف مستنطق را در تحقیقات مقدماتی و استنطاق بعمل آورد .

مادهٔ ۴۲ ـ ردمدعی‌العموم از طرف مدعی‌خصوصی جایز نیست (رجوع بمادهٔ ۳۳۵)

مبحث دوم

در حدود اختیارات مستنطق

ماده ۴۳ ـ مستنطق فقط وقتی اقدام به تحقیقات مقدماتی مینماید که قانوناً این حق را داشته باشد رجوع بمادهٔ [۵۴] و ماده [۶۰]

ماده ۴۴ ـ مستنطق باید باکمال بیغرضی تحقیقات را نموده در کشف اوضاع و احوالی که برنفع یا ضرر متهم است فرقی نگذارد .

ماده۴۵ ـ مستنطق درتحصیل وجمع آوری اسباب دلایل جرم نباید بهیچوجه تعویق را جایز بدانند وباید

اقدامات فوری برای جلوگیری از اعدام یا اضمحلال اثرات جرم بعمل آورد

ماده ٤٦ ـ مستنطق میتواند به تحقیقات کمیسرهای نظمیه رسیدگی کرده و هرگاه تغییری دراقدامات آنان یا تکمیلی در تحقیقات لازم باشد بعمل آورد

ماده ٤٧ ـ تقاضای قانون مستنطق رابابد نظمیه و مقامات وادارات رسمی فورا بموقع اجرا بگذارند.

ماده ٤٨ - مستنطق میتواند تحصیل بعظی اطلاعات رابه نظمیه با تعلیمات لازمه رجوع کند

ماده ٤٩ ـ هرگاه بمستنطق درحین ایفای وظیفه او مقاومتی شود مشارالیه حق دارد از قوای عمومی (نظمیه و غیره) استمداد کند

ماده ٥٠ ـ هریك از طرفین متهم ومدعی خصوصی بهمان جهت یا جهاتیکه موجب رد حکام عدلیه میباشد می توانند اظهارنامه بخودمستنطق داده و اورا ردکنندرموارد رد مستنطق خودش نیزباید ازاجرای تحقیقات و استنطاقات استعفا نموده مراتب را بمحکمه ابتدائی اطلاع دهد.

ماده ٥١ ـ هرگاه اظهاررد بمستنطق بشود مشارالیه اظهارنامه را بمحکمه ابتدائی تقدیم کرده تحقیقات خود راقبل از صدور حکم محکمه مذکور قطع نمیکند ولی اگر

خودش استعفا نماید مراتب را بمدعی‌العموم ابتدائی اطلاع داده دیگر به تحقیقات مداخله نمیکند

ماده ۵۲ ـ مستنطق نمیتواند بعذر اینکه متهم یامجرم مخفی شده است بااینکه متهم یامجرم معین نیست تحقیقات خودرا موقوف بدارد .

فصل پنجم

در تحقیقات مقدماتی

مبحث اول

در صلاحیت مستنطقین

ماده ۵۳ ـ هر مستنطقی فقط در حوزه محکمه ابتدائیه که درآن ماموریت دارد ایفاء وظیفه مینماید .

ماده ٥٤ ـ مستنطق در صورت وجود جهات قانونی رجوع بماده ٦۰ در موارد ذیل شروع به تحقیقات مینماید

[۱] درصورت وقوع جنحه یاجنایت در حوزهٔ ماموریت او

[۲] درصورتیکه‌جنحه‌یا جنایت در حوزهٔ‌مستنطق‌دیگری‌واقع شده ولی متهم یا مقصر درحوزهٔ او دستگیر یا جنحه وجنایت درحوزه اوکشف شده باشد [۳] وقتی که متهم یا مظنون

بارتکاب جنحه یا جنایت در حوزه او مقیم است ولو اینکه وقوع درحوزه مستنطق دیگری بعمل آمده باشد

ماده ۵۵ ـ در موردی‌که جنحه یا جنایت در خارج حوزهٔ مستنطق واقع شده ولی در حوزهٔ او کشف یا مرتکب درحوزهٔ اودستگیر شده است مستنطق بتقاضای مدعی العموم یا مستنطق حوزه وقوع جنحه یا جنایت تحقیقاتی را که مقتضی محلی است که متهم در آنجا بدست آمده است بعمل آورده نتیجه تحقیقات را باخود متهم (در صورتی که دستگیر شده باشد) نزد مستنطقی که در حوزهٔ او جرم شده است میفرستند .

ماده ۵۶ ـ هرگاه جرمی درمحلی مکشوف شده و مستنطق محل کشف را نداند که وقوع جرم در کجا بوده به تحقیقاتی که شروع کرده مداومت می دهد تا وقتی‌که تحقیقات ختم یامحل وقوع جرم معلوم شود .

ماده ۵۷ ـ هرگاه در مواردی که قانون معین میکند استنطاق متهمین امر جزائی یا استماع شهود یا تحقیقات دیگری درمحلی که خارج از وقوع جرم است لازم شود در این صورت مستنطقی که مشغول رسیدگی است تعلیمات لازمه را در این باب بمستنطق محلی که باید تحقیقات در آنجا بعمل آید فرستاده و مستنطق آخری بعد ازاجرای تحقیقات آن راامضاء نموده ممهوراً نزد مستنطق اولی ارسال میدارد .

ماده ۵۸ ـ تحقیقات مقدماتی باید بقدرامکان سریع باشد و لذا روز های تعطیل مانع از تحقیقات نمیشود.

ماده ۵۹ ـ نظارت درتحقیقات بعهده مدعی‌العموم محکمه ابتدائی است که در حوزه ماموریت او تحقیقات بعمل می آید ولو اینکه تحقیقات راجع بامری باشد که خارج از قلمرو او اتفاق افتاده

مبحث دوم

در مواردیکه مستنطق بشروع در تحقیقات مکلف است

ماده ۶۰ ـ جهات ذیل جهات قانونی برای شروع به تحقیقات محسوب میشود (۱) شکایات و اعلام مدعی خصوصی و سایر اشخاص (۲) اظهار و اعلام اداره نظمیه و ژاندام و امنیه (۳) اظهار و اقرار مقصر (٤) تکلیف مدعی العموم (۵) نظر مستنطق درمواقع جرایم مشهوده در صورتیکه خودش شاهد قضیه باشد

ماده ۶۱ ـ هرگاه کسی اعلام نماید که خود شاهد وقوع جنحه یاجنایتی بوده این اظهار برای شروع به تحقیقات کافی است و لو اینکه مستنطق دلایل دیگر برای اجرای تحقیقات نداشته باشد ولی اگراعلام کننده

خودش شاهد قضیه نبوده بمحض اعلام نمیتوان شروع به تحقیقات نمود مگر اینکه دلایل صحت ادعا موجود باشد

ماده ۶۲ ـ اخطارات بی امضاء را و همچنین هجونامه وکاغذهای تهدیدآمیز بی امضارا نمیتوان جهت قانونی برای شروع به تحقیقات محسوب داشت مگر اینکه نوشتجات بی امضاء مزبور دلالت کند بر سوء قصد مهمی که می تواند باعث اختلال امنیت و انتظام عمومی شود در این موارد باید قبلا نظمیه تفتیش لازم را بعمل آورد و بعد در صورت لزوم پس از اجازه مدعی العموم تحقیقات مستنطق شروع میشود

ماده ۶۳ ـ شکایات برای شروع به تحقیقات کافی است ونه مستنطق میتواند دراین مورد استنکاف از تحقیقات نماید نه مدعی العموم .

ماده ۶٤ ـ در شکایت باید نکات ذیل قید شود (۱) تاریخ و محل وقوع جنحه یا جنایت (۲) مظنون کی است و مدرك ظن چیست (۳) ضرر و زیانی که وقوع جرم بعمل آمده (٤) تعیین مقدار خسارات بطور تخمین هرگاه چنین ادعائی بشود

ماده ۶۵ ـ شکایات کتبی یا شفاهی راهمه وقت کمسری های نظمیه وژاندارم ومدعیان عمومی ومعاونین آنان و مستنطقین قبول مینمایند وشکایات شفاهی در

صورت مجلس قید وبامضای شاکی میرسد و اگرشاکی نتواند امضاء کند این نکته قید و مصدق میشود که شکایت شفاهی مطابق صورت مجلس است

ماده ٦٦ـ در مواردیکه ممکن‌است ادعای جزائی صلح ختم شود یعنی در مواردیکه بعد ازصلح‌طرفین مدعی العموم تعقیب نمی کند قبل ازشروع به تحقیقات طرفین را مستنطق احضار کرد تکلیف صلح مینماید و هرگاه صلح انجام یافت یامدعی بدون عذر موجه حاضر نشد تحقیقات موقوف میشود اگر متشکی عنه حاضر نشد حکم جلب اورا میدهد

ماده ٦٧ ـ درحین‌تحقیقات شاکی حق داردشهود تحقیق و دلایل خودرا اظهارنماید ودر تحقیقات‌حضوربهم رساند و سواد صورت تحقیقات و قرارهای مستنطق را بعد از تادیه حق سواد بگیرد

ماده ٦٨ ـ شاکی میتواند تامین خسارات خودرا بخواهدمستنطق در صورتیکه این تقاضای شاکی رامبتنی بردلایلی دید بمحکمه جنحه رجوع نموده تامین خسارات شاکی را میخواهد

ماده ٦٩ ـ در صورتیکه خلاف عرضحال ثابت شود عارض غیرمحق علاوه‌برتأدیه خسارات طرف مخارج تحقیقات رانیز ادا مینماید

ماده ۷۰ - هر گاه مستنطق در اعلام واخبار نظمیه دلایل کافی برای اقدام بتحقیقات ندید تکمیل تحقیقات را از نظمیه میخواهد و مراتب را بمدعی‌العموم اطلاع میدهد

ماده ۷۱ - مدعی‌العموم ابتدائی و معاون او میتواند بموجب اطلاعات حاصله یا بنظر خودشان تقاضای اجرای تحقیقات وتعقیب‌امری رابنماید ولی‌تقاضای تحقیقات‌را بدون دلائل کافی نباید بکنند و اگر امر مشکوک‌است باید بواسطه تفتیشات مخفی نظمیه تحصیل اطلاعات لازمه را بنمایند

ماده ۷۲ - هر گاه مستنطق در حین تحقیقات جرمی کشف جرم دیگری نماید که بجرم اولی مربوط نیست اقدامات لازمه را موافق قوانین برای حفظ آثار و امارات جرم ثانوی و جلوگیری متهم از فرار کرده مراتب را بمدعی‌العموم ابتدائی اطلاع میدهند وفقط پس از اجازه مشار الیه بتحقیقات مقدماتی جرم ثانوی شروع میکند

در تحقیقات مستنطق

مقاله اول

در معاینات محلی

ماده ۷۳- معاینات محلی یامستقیماً بتوسط مستنطق بعمل میاید یا بتوسط اهل خبره در حین معاینات محلی

اشخاصی که در امر جزائی شرکت دارند میتوانند حاضر شوند ولی مستنطق منتظر آنان نمیشود

ماده ۷۴ — معاینات محلی در روز بعمل میاید باستثنای مواردیکه فوریت دارد

ماده ۷۵ ـ در حین معاینات وتحقیقات محلی مستنطق تمام آثار و علامات و مقتضیات محل را در نظر گرفته و آنچه را که دیده وکشف کرده در صورت مجلس قید میکند

ماده ۷۶ ـ برای حضور در معاینات وتحقیقات محلی از اهل محل شهود تحقیق دعوت میشوند و در موارد فوری مستنطق میتواند کلیه اشخاصی را که محل وثوق هستند دعوت نماید در مورد نسوان زنان شوهردار برای حضور در معاینات محلی دعوت میشود

ماده ۷۷ ـ اشخاصی که برای حضور درمعاینات محلی دعوت شده‌اند اگر بدون عذر موجه حاضر نشوند و من‌به‌الکفایه نباشد بحکم مستنطق جلب می‌شوند

ماده ۷۸ — اهل خبره باید وقتی دعوت شوند که اظهار اطلاع درعلمی یا فنی یا معلومات مخصوصه بارباب شغل یا کسی لازم باشد (مثل طبیب ـ دواساز ـ نقاش ـ مقوم و غیره) اهل خبره باید شرایط شهود تحقیق رادارا باشند هر گاه اهل خبره بدون عذر موجه حاضر نشوند و من‌به‌الکفایه نباشد بحکم مستنطق جلب میشوند

ماده۷۹ ـ تحقیقات اهل خبره در حضورمستنطق بعمل میآید مگر آنکه مانعی باشد

ماده۸۰ ـ مستنطق مکلف است که سؤالات لازمه را از اهل خبره کتبا و شفاها نموده در صورت‌مجلس قید نماید هرگاه مستنطق بعضی علائم و آثار در نظر گرفته اهل خبره میتوانند از علائم مزبوره صرف نظر نموده اهمیت ندهند مگراینکه برای کشف حقیقت اهمیتی داشته باشد

ماده ۸۱ ـ هرگاه اختلافی در عقاید اهل خبره حاصل شود یا عقیدهٔ آنان بنظر مستنطق مشکوك باشد مشارالیه اهل خبره دیگری دعوت می‌نماید و باعقاید اهل خبره را نزدمتخصصین علم یافن فرستاده عقیده آنانرا میخواهد

ماده۸۲ ـ برای معاینه اجساد و اموات وجراحات وآثار و علائم ضرب و شتم و غیره مستنطق طبیب را دعوت میکند در این موارد اطباء عدلیه دعوت میشوندو اگر اشخاص مذکوره نتوانند حاضر شوند یا درجائی از اطبای مذکوره نباشد طبیب دیگر را میتوان دعوت‌کرد

ماده ۸۳ ـ مستنطق میتواند بدعوت یك طبیب اکتفا نکرده چند نفر طبیب دعوت نماید و طبیبی که معالجه شخص متوفی را میکرده‌است مستثنی نخواهد بود

ماده ۸٤ ـ تاورود طبیب مستنطق اقدامات‌لازمه

را برای حفظ جسد متوفی و تحقیقات هویت متوفی و چگونگی فوت و غیره بعمل میآورد

ماده ۸۵ ـ شهود تحقیق و سایر اشخاص که حق حضور را دارند میتوانند عقیده طبیب را تردید نمایند و مراتب در صورت مجلس قید میشود .

ماده ۸۶ ـ طبیب باید عقیدهٔ خودش را نوشته منتهی در ظرف سه روز بمستنطق بدهد

مادهٔ۸۷ ـ درصورت اختلاف آراء اطباء یامناقضت عقیده طبیب با اوضاع و احوال واقعه مستنطق عقیده طبیب را نزد متخصصین میفرستند و اشخاص مذکوره بعد از خواستن توضیحات لازمه از طبیبکه معاینه نموده عقیده خودرا کتبا بمستنطق میدهند

ماده ۸۸ ـ هرگاه معلوم نباشد که متوفی کیست مستنطق علائم و اشکال او را صحیحا درصورت مجلس قید کرده بعد برای اعلان بمطبوعات میفرستد

ماده۸۹ ـ هرگاه درضمن تحقیقات مستنطق مشاهده نماید که متهم مجنون یامشاعرش مختل است بتوسط طبیب تحقیقات لازمه را بعمل آورده و بعد از استعلام از کسان و اقربای اومراتب را درصورت مجلس قید کرده دوسیه کار را نزد مدعی العموم ابتدائی میفرستد مدعی ـ العموم پس از مدافعه در دوسیه کارهرگاه تحقیقات مستنطق

واهل خبره را کامل دید وازصحت مطمئن شد تقاضامه
ترك تعقیب را بدائره استنطاق فرستاده شخص مظنون
یامختل المشاعر باداره مقتضیه برای اقدام لازمه میفرستد
و اگر اطمینان بصحت تحقیقات حاصل نکرد میتواند
تحقیقات اهل خبره دیگر را بخواهد
مادهٔ ۹۰ ـ هرگاه اثرات جنون یا اختلال مشاعر
در متهم بعد از تحقیقات مقدماتی و استنطاق و قبل
از محاکمه ظاهر شود تحقیقات در خود محکمه جنحه
یا جنایت بعمل میآید

مقاله دوم

در تفتیش منزل و تحصیل آلات و ادوات جرم و اسباب تحقیقیه

ماده۹۱ ـ تفحص درمنازلی در مواردی بعمل میاید
که برحسب دلایل کافیه نتوان تصور نمود که مرتکب یا
اسباب و آلات جرم یا دلایل آنرا در محلی میتوان
کشف کرد
ماده ۹۲ ـ تفحص در حضور صاحبخانه و شهود
تحقیق بعمل میآید و درصورتیکه صاحب خانه غایب باشد
در حضور عیال یا بزرگتر خانه بعمل میآید

ماده ۹۳ ـ اشخاصی که در امر جزائی شرکت دارند میتوانند در موقع تفحص و تجسس حاضر باشند ولی سایر اشخاص نمیتوانند داخل شوند مگر باجازه صاحبخانه

ماده ۹۴ ـ تجسس در منازل روز بعمل میآید و در شب فقط در مواردی که ضرورت اقتضا کندجهت ضرورت را مستنطق باید در صورت مجلس قید کند

ماده ۹۵ ـ درصورت لزوم مستنطق میتواند دخول محل تفحص و خروج از آن محل را قدغن نماید و برای اجرای این حکم از نظمیه یا اشخاص دیگر مستحفظ بگمارد

ماده ۹۶ ـ درصورتیکه صاحب خانه حکم مستنطق را در باز کردن محلها واشیاء بسته مجری ندارد مستنطق میتواند حکم باز کردن را بدهد ولی مستنطق مکلف است که حتی القوه از اقداماتی که باعث تضییع اشیاء میشود احتراز نماید .

ماده ۹۷ ـ از اوراق و نوشتجات متهم فقط آنچه که راجع بواقعه جرم است تحصیل وبشهود تحقیق ارائه میشود ومستنطق مکلف اشت که در باب سایر نوشتجات متهم باکمال احتیاط رفتار نموده موجب افشای مضمون نوشتجاتی که راجع بجرم نیست نشود

ماده ۹۸ ـ مقامات و مامورین دولتی نمیتوانند از دادن اسباب و آلات جرم بمستنطق امتناع نمایند

ماده ۹۹ ـ درمواردیکه لازم شود نوشتجات متهم

جنایت یا نوشتجاتی که باسم متهم توسط پستخانه یا تلگرافخانه وارد شده است معاینه و تفتیش شود از قرار ذیل رفتار میشود :

(۱) مستنطق هر دفعه علیحده باداره پستخانه یا تلگرافخانه اطلاع میدهد که مکتوب یا تلگراف متهم بجنایت را توقیف نموده نزد مستنطق بفرستند و بعد از وصول مکتوب یا تلگراف آنرا درحضور متهم بازکرده صورت مجلسی در آن باب ترتیب داده خودش و منشی ومتهم امضاء میکنند اگر متهم نخواهد امضا کند مراتب قید میشود (۲) نوشتجاتی که برای کار اهمیت دارد داخل دوسیه میشود و آنچه راجع بکار نیست بصاحبش مسترد و قبض رسید دریافت میشود

مادهٔ ۱۰۰ ـ درمواردیکه تحصیل اطلاعات در باب نوشتجاتی که از متهم صادر و باسم متهم وارد می شود از پستخانه یاتلگرافخانه لازم‌شود (بدون معاینه وتفتیش خود مکتوب) مستنطق میتواند راساً از ادارات مزبوره کسب اطلاع کند .

مادهٔ ۱۰۱ ـ مباشرین ثبت اسناد باید بتقاضای مستنطق دفاتر خود را باو نشان بدهند

مادهٔ ۱۰۲ ـ هرگاه متهم نوشتجات خود را برای استتار بوکیل خودش سپرده باشد مستنطق حق دارد که نوشتجات مذکوره را در حضور وکیل معاینه نماید

ماده۱۰۳ـ آلات و ادوات جرم‌ازقبیل‌حربه واسلحه واسناد ساختگی وسکه‌تقلب وکلیه اشیائی که درحین‌تفحص بدست‌آمده وموجب کشف جرم یا موجب اقرار متهم بجرم خود تواند بود باید ضبط شده و درصورت مجلس هر یك از اشیاء مزبوره تعریف و توصیف شود

ماده ۱۰۴ ـ آلات و ادوات جرم را باید نمره گذاشته ومهر نمود وحفظ نمود

ماده۱۰۵ ـ هرگاه دلائل جرم چیزی‌باشدکه نتوان ازمحل مجزی و خارج نمود (مثل خونی که ریخته) در این صورت مستنطق باید اقدام درحفظ دلائل‌مزبور بعمل آورد و اگر لازم باشد محل راقفل ومهر وموم کرده نظارت آنرا به پلیس یا مستحفظ مخصوص بسپارد

مادهٔ۱۰۶ ـ اشیاء مایع که قابل تجزیه است بقدر لزوم تحصیل میشوداشیاء مزبوره را باید درظرفی ریخته مهروموم کرده بقسمی که ضایع و تفریط نشود از اشیاء مایع باید سه ظرف برداشته شود

مادهٔ ۱۰۷ ـ در مقابل اشیاء و آلاتی که تحصیل میشود باید بصاحب آن قبض رسید داده شود اشیاء مسروقه که در منزل متهم یافت میشود باید بصاحبان آن اشیاء مسترد و قبض رسید دریافت شود مگر درصورتیکه وجود اشیاء مزبوره در مورد استنطاق و محاکمه لازم باشد که پس از رفع حاجت بصاحب آن مسترد خواهد شد

مبحث چهارم

دراحضار و استنطاق متهم

ماده ۱۰۸ ـ احضارمتهم بواسطه احضارنامه بعمل میآید و احضارنامه دردونسخه فرستاده شده یك نسخه را متهم گرفته ونسخه دیگررا امضاءکرده بمأموراحضار ردمیکند

ماده۱۰۹ ـ در احضارنامه اسم وشهرت احضار شده و تاریخ ومحل حضور و نتیجه عدم حضور باید قیدشود

ماده ۱۱۰ ـ هرگاه احضار شده سواد نداشته باشد مضمون احضارنامه درحضور دونفر شاهد تحقیق ابلاغ میشود باقی ترتیبات تبلیغ احضار نامه بطوری است که درقوانین محاکمات حقوقی مصرح است

ماده۱۱۱ ـ هرگاه مأمورین محل اقامت احضارشده را پیدا نکنند یا محل معین نباشد احضار نامه توسط مطبوعات اعلان میشود

ماده۱۱۲ ـ احضارشده باید شخصاً حاضرشود و اگر میتواند حاضر شود باید اعتذار موجه خودرا ثابت کنند .

ماده۱۱۳ ـ جهات ذیل عذر موجه محسوب است :
(۱) نرسیدن احضارنامه یا دیر رسیدن آن بقسمی که مانع ازحضور دروقت مقررشود (۲) مرضی که مانع از حرکت است (۳) فوت یکی ازوالدین یازوج یازوجه ویااولاد

ویامرض سخت یکی از اشخاص مذکوره (٤) ابتلای بزرگی از قبیل حریق و امثال آن (٥) عدم امکان مراوده بواسطه بلیات سماوی ازقبیل امراض مسری (وباوطاعون وغیره) یا طغیان رودخانه وامثال آ ن ٦ درتوقیف یا حبس بودن :

ماده ١١٤ ـ اشخاصیکه حاضر نشده و تصدیق هم درعدم امکان حضور نفرستاده باشند بحکم مستنطق جلب میشوند

ماده ١١٥ ـ مستنطق میتواند درموارد ذیل بدون اینکه بدواً احضارنامه فرستاده شده باشد حکم جلب را بدهد (١) درمورد اتهام بجنایتی که مجازات آنهاجزای ترهیبی و ترذیلی است «رجوع بقانون جزا» ٢درمورد اتهام بجرمیکه در اهمیت کمتر از فقره اول است ولی بیم فرار ومخفی شدن متهم میرود ٣ درموردمتهمینی که محل اقامت یاشغل و کسبشان معین نیست .

ماده١١٦ ـ جلب متهم بموجب ورقه جلب بعمل میآید ورقه جلب که مضمونش مضمون ورقه احضار است باید بمتهم ابلاغ شود .

ماده ١١٧ ـ رساننده ورقه جلب بعد از تبلیغ متهم را دعوت مینماید که با اونزد مستنطق برود وهرگاه متهم امتناع نماید مأمور از قوای عمومی (نظمیه ومأمورین دولتی) استعانت مینماید و هرکس بمتهم کمك بنماید مسئول بوده

وموافق قانون مجازات میشود .

ماده ۱۱۸ ـ جلب متهم باستثنای مواردفوری روز بعمل میآید .

ماده ۱۱۹ ـ در صورتیکه متهم غایب باشدورقه جلب بنظمیه داده میشود که متهم را نزد مستنطق حاضر نماید

ماده ۱۲۰ ـ از زمانیکه بمتهم ورقه جلب ابلاغ میشود تا وقتیکه درنزد مستنطق حاضرشود مشارالیه در تحت نظر و محافظت خواهد بود .

ماده ۱۲۱ ـ مستنطق نباید کسی را احضار یا جلب کند مگر دلایل کافی برای احضار یا جلب در دست داشته باشد .

ماده ۱۲۲ ـ هرگاه شخصی که حکم احضار یا حکم جلب درباره او داده شد بواسطه مرضی نتواند در نزد مستنطق حاضر شود بسته باهمیت وفوریت اوضاع واحوال امر جزائی مستنطق خود بمنزل مریض رفته استنطاق لازم را بعمل میآورد و یا منتظر رفع مانع می شود .

ماده ۱۲۳ ـ مستنطق مکلف است که در ظرف بیست وچهار ساعت از زمان حاضرشدن یاحاضر کردن متهم استنطاقات اولیه را بعمل آورد ودرظرف اینمدت اگرشروع دراستنطاقات نشده باشد مستحفظین متهم رانزد مدعی العموم ابتدائی برده ومشارالیه استنطاق فوری اورا ازمستنطق میخواهد و اگرمستنطق امتناع ورزد ویاغایب باشد ویااینکه عذرموجهی در تاخیر استنطاق داشته باشد

مدعی العموم استنطاق را ازرئیس یایکی ازاعضاء محکمه ابتدائی که خودش معین میکند میخواهد

ماده ۱۲۴ ـ هرگاه متهمی بر حسب احضاریاجلب بیش از بیست وچهار ساعت درتوقیف بماند بدون اینکه مستنطق از او استنطاق نماید و بطوریکه در ماده قبل ذکر شده پس ازحاضرشدن متهم درنزد مدعی العموم اقدامی دراستنطاق اونشود اینگونه توقیف در ردیف توقیفاتی است که باراده شخصی بعمل آمده دراین صورت هریك از مستحفظین که مرتکب چنین جرمی شده اند از شغل خود منفصل میشوند .

مستنطق و مدعی العموم نیزدرازاء تخلفی که ازوظایف قانونی خود نموده اند از شغل خود منفصل خواهند شد

ماده ۱۲۵ ـ مستنطق قبل از استنطاق تحقیق هویت متهم را نموده ومیگوید بچه تقصیرمتهم شده است سئوالات باید مفید وروشن باشد و هرگاه متهم بسئوال مستنطق جواب ندهد مراتب درصورت مجلس قیدمیشود ومستنطق سئوالات و اقدامات قانونی دیگر که برای کشف حقیقت لازم است میکند

ماده ۱۲۶ ـ متهمین منفرداً استنطاق میشوند ونباید با همدیگر داخل درمذاکره ومواضعه شوند .

ماده ۱۲۷ ـ جوابهم باید بهمانطوریکه داده میشود بدون تغییر و تبدیل یاتحریف نوشته شود متهمین باسواد خودشان جواب سئوالات را مینویسند .

مبحث پنجم

در اقداماتیکه برای جلوگیری از فرار یا مخفی شدن متهم بعمل میآید

ماده ۱۲۸ — اشخاصیکه در تحت استنطاق هستند نباید از شهر یا حوزه استنطاقیه در آنجا بعمل می آید خارج شوند

ماده ۱۲۹ ـ برای جلو گیری از فرار یا پنهان شدن متهم موافق ماده (۱۳۰) اقدامات ذیل بعمل می‌آید (۱) التزام عدم حرکت از محل اقامت و حاضرشدن برای استنطاق ومحاکمه‌واجرای حکم‌در مواقعیکه متهم‌احضارمیشود (۲) ودیعه گذاشتن و جه‌الضمانه (۳) دادن کفیل (٤) توقیف موقت

ماده ۱۳۰ ـ در جرمهائیکه‌بدرجه‌جنایت‌بوده‌و مجازات آن‌جزای‌ترهیبی‌یاترذیلی است‌متهم را میتوان موقتا توقیف نموده و همچنین در مواردیکه جرم منسوب بمتهم جزای ترهیبی یا ترذیلی ندارد ولی محل اقامت و شغل‌متهم معین نیست توقیف جیاز است مگر اینکه‌متهم‌کفیل بدهد در سایر موارد منوط بنظر مستنطقی است که بر حسب اهمیت جرم یکی ازتامینات‌مذکوره‌در ماده قبل‌را از متهم بخواهد و مستنطق در کلیه مواردیکه موافق این‌ماده‌وماده‌قبل حکم

توقیف میدهد یا تامین میخواهد فقط بشدت مجازات نباید نظر داشته باشد بلکه دلایل و اسباب اتهام واحتمال فرار و اعدام اثرات جرم و همچنین چگونگی مزاج متهم وسن او و حیثیت او را باید منظور دارد .

ماده ۱۳۱ ـ هر شخص باثروت یا شرکتی میتواند کفیل متهم شده و مسئول وجه معین در صورت فرار او بشود وجه‌الضمانه‌ممکن است وجه‌نقد یا منقول معین باشد و وجه‌الضمانه را چه خود متهم وچه شخصی دیگری درعوض متهم میتواند بدهد مستنطق مبلغ وجه الضمانه یاضمانت‌نقدی کفیل را نظر بشدت مجازاتیکه برای متهم پس از محکوم شدن او مقرر است معین میکند واستطاعت کفیل یا کسی که وجه الضمانه را ودیعه میگذارد نیز منظور میشود

ماده ۱۳۲ ـ مبلغ وجه‌الضمانه یا ضمانت کفیل نباید در هر حال کمتر از خساراتی باشد که مدعی خصوصی تقاضا میکند

ماده ۱۳۳ ـ مستنطق در باب قبول وجه الضمانه یا کفیل فراری داده آنرا امضاء کرده‌کفیل یا دهنده وجه‌ـ الضمامه نیز امضا مینماید و سواد مصدقی از قرار بدهنده وجه الضمانه یا کفیل داده‌می شود

ماده ۱۳٤ ـ در صورتیکه متهم فرار نماید از وجه الضمانه یا وجهی که‌کفیل در صورت‌فرار متهم ضمانت کرده بدواً خسارات وغرامات‌مدعی خصوصی‌تادیه میشود

ماده ۱۳۵ - متهم
موقت خود (خودش یاشخص
بدهد یا وجه‌الضمانه ودیعه بگ
بعمل نیاورده است در توق
یا ودیعهٔ وجه الضمانه متهم
(۱۲۹) تخلف نماید

ماده ۱۳۶ - هر گاه
شده و سرپیچی از اطاعت
مواقعی که متهم بواسطه عذر
مستردو یا کفیل از مسئولیت

ماده ۱۳۷ - حکم ت
حین فرستادن او بتوقیفگاه
به توقیفگاه فرستاده شود

ماده ۱۳۸ - در توق
دادن متهمین و مقصرین مؤ
رسید گرفته بمستنطق تسلی

مبحث

در احضار شهود تحقیق

ماده ۱۳۹ - مستنطق ا
نامه‌و اخبار نامه اسم برده شد

معین کرده و کسی را که مستنطق میداندکه از واقعه یا اوضاع و احوال مطلع است برای تحقیق احضار خواهد نمود احضار موافق اصول مقرره بعمل میآید

ماده ۱۴۰ ـ شهود تحقیق و مطلعین بتوسطماامورین اجرا و یا درصورت نبودن‌توسط مامورین‌نظمیه یا ژاندام بتقاضای مدعی العموم احضارمیشوند

ماده ۱۴۱ ـ ژاندارم برای احضار شهود تحقیق یا مطلعین مامور نخواهد شد جز در مواردیکه مشاراليه از حاضر شدن امتناع نماید .

ماده ۱۴۲ ـ در صورتیکه‌یکی از شهود تحقیق‌یا مطلعین از تابعین نظامی باشد باید احضار او را لااقل در مدت بیست و چهار ساعت قبل از زمان تحقیق و محا کمه از رئیس آن دسته که شخص مزبور در آ نجا مستخدم است بخواهند و رئیس نظامی مکلف است که شخص احضار شده را در موقع بعدلیه بفرستند

ماده ۱۴۳ ـ مستنطق شهود تحقیق و مطلعین را فردا فرد بدون حضور متهم احضار وسئوالات‌لازمه را مینماید و منشی اطلاعات ایشان را نوشته بمهر و امضاء آنان میرساند تجدید استعلام از شهود و مطلعین و مواجهه آنان در صورت اختلاف جایز است

ماده ۱۴۴ـ استنطاق درهرمورد غیر علنی است

۱۳۲۷

ماده ١٤٥ ـ شهود تحقیق ومطلعین قبل ازاظهارات اطلاعات متعهد میشوند که جزبه صدق وراستی چیزی نگویند ومستنطق قبل ازشروع باستنطاق اسم و اسم پدر و شغل ومنزل و محلی را که در آن متوطن است و درجه قرابت سببی یا نسبی و خادم یا مخدوم بودن مطلع را نسبت بمدعی خصوصی یا متهم سؤال کرده کاتب مینویسد

ماده ١٤٦ ـ در صورتیکه یکی از مطلعین بواسطه ارتکاب تقصیری بمجازات محکوم شده یابحد بلوغ نرسیده باشد مستنطق او را ملتزم نمینماید سؤالات از او فقط برای مزید اطلاعات است کلیه در باب گرفتن التزام از شهود تحقیق و مطلعین و مستنطق موافق مواد (٢٤٤) الی ماده (٢٤٨) رفتار می نماید

ماده ١٤٧ ـ پس ازآنکه شهادت یا اظهار اطلاعی تمام رسید منشی محکمه آنرا قرائت نموده بمهر و امضاء شاهد تحقیق یا مطلع میرساند و اگر ار مهر وامضاء امتناع ورزند یا اینکه نتوانند امضاء کنند مراتب درورقه استنطاقیه قید میشود وهریك از صفحات اوراق تحقیق باید بامضاء و مهر مستنطق و کاتب برسد

ماده ١٤٨ ـ قبل از آنکه شهود تحقیق ومطلعین شروع به اظهار و دادن باطلاعات نمایند مستنطق آنانرا حاضر و غایب

نموده پس از آن هر کدام را اصلاح میداند مقدمتاً یا مؤخراً احضار می کند

ماده ١٤٩ ـ مستنطق و منشی کلیه ترتیباتی را که در چهار ماه قبل ذکر شده باید کاملا مراعات نماید ونقض کننده اگر منشی است ده تومان ازمقرری او کسر میشود و اگر مستنطق است مورد شکایت و مسئولیت خواهد بود

ماده ١٥٠ ـ در اوراق استنطاقیه نوشتن بین السطور و تراشیدن کلمات بکلی ممنوع است اگر یك یا چند کلمه اضافه نوشته شده باشد باید بر روی آن خطی نازك کشیده شود و مستنطق و منشی و شخصی که طرف استنطاق است آن را قید و امضاء نماید و همچنین اگر یك یا چند کلمه از قلم افتاده و در حاشیه نوشته شود باید اشخاص مذکوره ذیل آن را امضاء کنند و هر گاه این ترتیب را مجری ندارند کلمه مزبوره از درجه اعتبار ساقط است .

ماده ١٥١ ـ هر یك از شهود تحقیق ومطلعین در روز موعود باید حاضر شوند در صورتیکه باختیار حاضر نشوند بر حسب رای مدعی العموم مستنطق می توانند آنانرا جلب نماید .

ماده ١٥٢ ـ در صورتیکه شخص شاهد یا مطلع برای حاضر نشدن خود عذر موجهی داشته باشد ومدعی العموم

آن عذر را بپذیرد احضاریه ثانوی فرستاده خواهد شد .

ماده ۱۵۳ ـ در صورتیکه یکی از مطلعین برای حاضر شدن عنوان ضرر و خسارتی از حیث شغل و کار خود بکند تعیین مقدار ضرر موافق تعرفه مقوره که وزارت عدلیه از روی تصدیق اهل خبره معین واعلام خواهد کرد با مستنطق خواهد بود

ماده ۱۵٤ ـ در صورتیکه شخص شاهد یامطلع مریض باشد و نتواند حاضر شود مستنطق خود بمحل اقامت مریض رفته استنطاق میکند و اگر بعد مسافت مانع باشد در صورتیکه اقامتگاه مطلعین در همان حوزه ابتدائی که مستنطق در آن مأموریت دارد واقع است بامین صلح اقامتگاه مطلع تعلیمات لازمه را میدهد که اظهارات مطلعین را استماع نموده صورت آنرا برای مستنطق ارسال دارد وهرگاه محل اقامت مطلعین در حوزه ابتدائیه دیگری باشد بمستنطق آن حوزه رجوع مینماید .

ماده ۱۵۵ ـ مدلول ماده قبل نیز شامل مواردی است که عهدهٔ شهود تحقیق و مطلعین زیاد بوده و در یك محل مقیم باشد یـا استنطاق شاگردان مدارس و مکاتب لازم شود .

ماده ۱۵٦ ـ درصورتیکه محکمه ازمستنطق که درشهر دیگر اقامت دارد استعلامات لازمه را مینماید آن مستنطق رافقط

بعنوان شغل رسمی خطاب خواهد نمود و درصورت تعداد مستنطقین هریك از آنان میتوان اقدامات نموده جواب و تحقیقات خود را کتباً بمحکمه مزبوره ارسال دارند ·

مبحث هفتم

در تحقیقات محلی

ماده ۱۵۷ ـ هر گاه لازم شود برای توضیح مسائل و نکات لازمه در باب شغل و حالات متهم تحقیقات محلی بعمل آید و هیچنین در مواردیکه متهم باطلاعات اهل محل استناد مینماید مستنطق تحقیقات محلی را مجری میدارد

ماده ۱۵۸ ـ مستنطق تاریخ تحقیقات محلی را بمدعی العموم محکمه ابتدائی یا معاون او اطلاع میدهد و هر گاه متهم که در تحت توقیف است مایل باشد که در تحقیقات حضور بهمرساند بمحل تحقیقات فرستاده میشود

ماده ۱۵۹ ـ مستنطق بعد از ورود بمحل موافق قواعدی که در اصول محاکمات حقوقی برای تحقیقات محلی مقرر است رفتار مینماید

ماده ۱۶۰ ـ اشخاصیکه تحقیقات از آن بعمل میاید بدواً ملتزم میشوندکه بر خلاف صدق چیزی نگویند

باب دوم

در قرار جلب بمحاکمه یا منع آن

فصل اول

در اوامر مستنطق و مدعی العموم

﴾ محکمه ابتدائی پس ازختم تحقیقات ﴿

ماده ۱۶۱ ـ پس از آنکه استنطاق متهم تمام شد مستنطق بمتهم اعلام میدارد که اگر در برائت خودش باز اظهاری دارد بنماید و پس از اظهار آخری متهم مستنطق تحقیقات راختم و بعد ازاظهار عقیده خود در ذیل تحقیقات امر ابلاغ آنرا بمدعی العموم درج نموده صورت تحقیقات و استنطاقات را نزد مدعی‌العموم محکمه ابتدائی ارسال میدارد

ماده۱۶۲ ـ اگر مستنطق را عقیده بران‌شدکه‌عمل شخص‌متهم متضمن هیچ جرمی از خلاف یاجنحه یاجنایت نیست عقیدهٔ خود رابرعدم تقصیر مشار الیه درذیل تحقیقات اظهارمیدارد اگرعقیدهٔ مستنطق برتقصیرمتهم‌است صریحاً آنرا قید میکند

ماده ۱۶۳ ـ مدعی‌العموم محکمه ابتدائی باید در ظرف سه روز دوسیه تحقیقات و استنطاقات را ملاحظه نموده تقاضانامه خود را در ذیل دوسیه نوشته بمستنطق معاودت دهد

ماده ۱۶۴ ـ درصورتیکه بنظر مدعی‌العموم تحقیقات و استنطاقات کامل نباشد در تقاضانامه خودمیتواند تکمیل آنرا از مستنطق بخواهد

ماده ۱۶۵ ـ هر گاه عقیدهٔ مدعی العموم بر بی‌تقصیری متهم باشد در تقاضانامه امر بعدم تعقیب محاکمه داده و اگر بر عکس عقیدهٔ مدعی‌العموم بر تقصیر متهم باشد امر جلب مقصر را بمحاکمه میدهد .

ماده ۱۶۶ ـ پس از آنکه دوسیه تحقیقات و استنطاقات باتقاضانامه مدعی العموم بمستنطق اعاده داده شد مشارالیه درصورتیکه با عقیده مدعی‌العموم موافق باشد در صورت تقصیر متهم دوسیه تحقیقات را بمحکمه که صلاحیت رسیدگی دارد ارسال میدارد بدین ترتیب که اگرامرجزائی خلاف است بمحکمه خلاف و هرگاه جنحه یاجنایت است دوسیه را بمحکمه جنحه یا جنایت میفرستد ودرصورت عدم تقصیر امر به آزادی متهم مینماید

ماده ۱۶۸ ـ هرگاه موافقت عقیده مابین مستنطق و مدعی‌العموم حاصل نشود [یکی متهم را مقصر ودیگری

بی تقصیر بداند یا بالعکس) رفع اختلاف راجع بمحکمه استیناف شده موافق قرار محکمه مذکوره رفتار میشود

ماده ۱۶۸ ـ مدعی العموم تکمیل تحقیقات و استنطاقات را در صورتی میتواند بخواهد که نقصان آن از جهت یا جهات مهمه باشد لذا اگر مدعی العموم بواسطهٔ نواقص غیر مهمه تکمیل تحقیقات را خواسته عملی را معوق بدارد قانوناً مسئول خواهد بود

ماده ۱۶۹ ـ مدعی العموم در حینی که منع جلب بمحاکمه را میدهد میتواند تقاضا نماید که نسبت باقداماتی که برای جلوگیری متهم از قرار یامخفی‌شدن شده است تخفیف یا شدید بعمل آید

ماده ۱۷۰ ـ در تقاضانامه مدعی العموم بایدنکات ذیل تصریح شود (۱) اسم و شهرت و سن و محل اقامت متهم (۲) در تحت توقیف است یا آزاد (۳) بچه تقصیر متهم است (٤) نتیجه تحقیقات ودلایل اتهام (٥) مقصر است یا بی‌تقصیر در صورتیکه متهم را مدعی العموم مقصر بداند باید تصریح کند (۱) اول تقصیر متهم موافق قانون چه جرمی است (دوم) تاریخ ومحل وقوع جرم

ماده ۱۷۱ مدعی‌خصوصی در کلیه موارد ی که اوامر مستنطق حقوق او را تضییع یاتضییق مینمایدمیتواند

اعتراض کنند اما شخص متهم نمیتواند اعتراض نماید جز در مورد حکم توقیف موقت تمام اعتراضات باید در مدت بیست و چهار ساعت بشود اگر اعتراض ازطرف مدعی العموم باشد ابتدای مدت مزبوره از روز صدور امر محسوب میشود و اگر اعتراضی از طرف مدعی خصوصی یا شخصی متهمی که درتوقیف نیست بشودابتدای مدت از روز ابلاغ بمدعی خصوصی یا متهم و یا محل اقامت آنان خواهدبودو اگر راجع به متهمی باشد که در توقیف است از روزی محبوس میشودکه امر در محل توقیف بتوسط منشی محکمه باو اعلام شده‌است ابلاغات واعلامات باید درظرف بیست‌وچهارساعت بعدازصدور امر بشود

ماده ۱۷۲ - اعتراض بمحکمه استیناف داده‌میشود و هیئت محکمه معجلا رسیدگی میکند آلات وادوات استنطاقیه نیز بمحکمه مزبوره فرستاده میشود ،

ماده ۱۷۳ - شکایات واعتراضات را می توان قبل از شروع محکمه بمحاکمه نمود هرگاه شکایت شفاهی باشد در دفتر نوشته شده بامضای شاکی میرسد و اگر نتواند امضاء کند قید میشود ،

ماده ۱۷٤ - اعتراض باعث توقیف جریان تحقیقات و استنطاقات نمیشود وکلیه اقدامات مستنطق بحال خودباقی میماند تاحکم محکمه استیناف صادر شوداهذا شخص متهم

که بحکم مستنطق توقیف شده بحال توقیف خواهد بود تا حکم محکمه استیناف صادر شود ولی در مورد حکم آزادی متهم حکم مزبور با تحصیل تامین کافی مجری میشود .

ماده ۱۷۵ ـ محکمه استیناف بعداز وصول اعتراض خارج از نوبت در جلسه اداری معمولی رسیدگی میکند عضو محقق راپورت مسئله را خوانده بصورت تحقیقات در صورت لزوم مراجعه میشود شاکی میتواند توضیحات دهد و محکمه پس از استماع عقیده مدعی‌العموم قرارلازم می دهد و قرار مزبور را به شاکی اطلاع داده فورا مجری میدارد و اگر شاکی سوادی ازقرار محکمه بخواهد باید درظرف سه روز داده شود

ماده ۱۷۶ ـ شکایات از اداره نظمیه و ژاندارم بمدعی‌العموم محکمه ابتدائی داده میشود .

فصل دوم

در رسیدگی استیناف

در موارد اختلاف بین عقیده مدعی‌العموم ابتدائی و مستنطق

ماده ۱۷۷ ـ رسیدگی محکمه استیناف ازقرارذیل است

(۱) عضو محقق دفتر تحقیقات را مطالعه کرده در محکمه مضمون آنرا شفاها اظهار داشته و نکات لازمه راخاطرنشان میکند وجاهائیرا که باید علناقرائت کندقرائت مینماید

(۲) مدعی العموم محکمه استیناف عقیده مدعی العموم محکمه ابتدائی را قرائت کرده و توضحات لازمه را داده عقیده خود را اظهار مینماید

ماده ۱۷۸ـ محکمه پس از رسیدگی موافق قواعد مقرره بدون حضور مدعی‌العموم مشاوره نموده قرار جلب مقصر را بمحاکمه یا منع تعقیب محاکمه را میدهد محکمه استیناف میتواند در صورت کافی نبودن تحقیقات قرار تکمیل آنرا بدهد

ماده ۱۷۹ ـ سواد مصدق قرار محکمه استیناف در باب جلب متهم بمحاکمه توسط مدعی العموم استیناف بمدعی العموم محکمه ابتدائی تبلیغ میشود و بر عهده مشار الیه است امور جنائی را در جائیکه محاکمه جنائی در محکمه ابتدائی میشود تعقیب نماید

ماده ۱۸۰ ـ هرگاه محکمه استیناف در باب منع تعقیب متهم و عدم جلب او بمحاکمه قرار داد دیگر او را نمیتوان تعقیب نمود مگر باجازه محکمه استیناف و آنهم درصورتیکه بعداز منع تعقیب و محاکمه که بواسطه فقد دلایل کافیه بوده دلائل کافی جدیدی کشف بشود

باب سوم

درمحاکم جزائی خلاف جنحه و جنایت

فصل اول

در صلاحیت محاکم جزائی

ماده ۱۸۱ ـ جرائمی که رسیدگی بآنها راجع بمحاکم عدلیه است بسه درجه تقسیم میشوند

(۱) جنایت (۲) جنحه (۳) خلاف

ماده ۱۸۲ ـ جنایت عبارت از جرمی است که جزای آن ترهیبی و ترذیلی با هم است یا فقط ترذیلی است (رجوع بقانون مجازات)

ماده ۱۸۳ ـ جنحه عبارت از جرمی است که جزای آن موافق قانون مجازات تادیبی است

ماده ۱۸۴ ـ خلاف عبارت از جرمی است که جزای آن تکدیری است چنانکه قانون مجازات معین میکند

ماده ۱۸۵ ـ رسیدگی بخلاف و همچنین جنحه ـ های کوچك که مجازات آن خفیف است از وظایف محاکم صلحیه ورسیدگی بجنحه های بزرك که مجازات آنهم شدید تر است راجع بمحکمه ابتدائی (محکمه جنحه) است بجنایات اصولا باید در محکمه جنائی که درمحکمه استیناف

تشکیل میشود رسیدگی شود ولی مادامیکه محکمه استیناف در تمام حوزه های استینافیه تشکیل نشده برای سهولت جریان و عدم تعطیل و تعویق امور که از نقل متهمین جنائی از محلی بمحلهای بعید در غیاب محکمه جنائی حاصل تواند شد محکمه ابتدائی بامور جنائی نیز رسیدگی میکند

ماده ۱۸۶ ـ محکمه ابتدائی در مواردیکه قائم مقام محکمه جنائی میشود موافق قواعدیکه برای محکمه جنائی مقرر است رسیدگی میکند

ماده ۱۸۷ ـ بجرمهای جنحه که بواسطه مطبوعات حاصل میشود در محکمه جنائی رسیدگی میشود

مادهٔ ۱۸۸ ـ رؤسای محاکم ابتدائی و اعضاء آن در صورتیکه متهم به ارتکاب جنحه شوند پس از رسیدگی مجلس اداری عالی بنحوی که در قانون تشکیلات مقرر است در محاکم استیناف محاکمه میشوند و محاکمه رؤسا و اعضاء محاکم استیناف نیز پس از محاکمه اداری با دیوان تمیز است

ماده ۱۸۹ ـ هرگاه وزیری در زمان وزارت خود متهم بارتکاب جنحه یا جنایتی شود چه سیاسی باشد وچه غیر سیاسی در جلسه عمومی دیوان تمیز محاکمه میشود

ماده ۱۹۰ ـ هرگاه شخصی غیر بالغ مرتکب جنایات شود در محکمه جنحه بان جنایت رسیدگی خواهد شد و اگر شخص بالغی در آن جنایت شرکت داشته باشد رسیدگی بمحکمه

جنائی راجع است .

ماده ۱۹۱ ـ صاحب منصبان وتابین نظامی بری وبحری وهمچنین مستحفظین سر حدی هرگاه در موقعی که سر خدمت هستند متهم بارتکاب جنحه یا جنایتی شوند رسیدگی بان از خصایص محاکم نظامی است مستثنیات این ماده در موارد ذیل مصرح است

ماده ۱۹۲ ـ صاحب‌منصبان وتابین نظامی که‌جزو قشون ردیف یا احتیاطی محسوب میشوند در صورت‌اتهام بجنحه و جنایات در محاکم عمومی محاکمه میشوند مگر اینکه محقق شود که تقصیر آنان راجع بخدمات نظامی است .

ماده ۱۹۳ ـ همچنین صاحب منصبان نظامی متقاعد در مورد اتهام بجنحه و جنایت باید در محاکم عمومی محاکمه شوند مگر این که کشف شود که جرم آنان در زمانی واقع شده که‌در سر خدمت نظامی بوده اند یاجرم مزبور مربوط است بتکالیف نظامی آنان .

ماده ۱۹٤ ـ صاحب منصبان وتابین نظامی که در ادارات کشوری مشغول خدمتند در حکم صاحب منصبان نظامی هستند که‌در ماده قبل مذکور است یعنی در صورتیکه جرم آنان راجع به نقض تکالیف خدمت نظامی آنان نباشد در محاکم عمومی محاکمه می شوند

ماده ۱۹۵ - صاحب منصبان کشوری که‌درقشون ری وبحری مشغول خدمتند در صورتیکه جرم آنان راجع باشد بعدم اطاعت نظامی یا سایر تکالیف مقرره که برای خدمت آنان در جزو نظام معین شده است در محکمه نظامی و سایر موارد در محاکم عمومی محاکمه می شوند

ماده ۱۹۶ - در غیر موارد ماده قبل صاحب منصبان ومأمورین کشوری فقط در صورتی در محاکم نظامی محاکمه می شوند که در محل ارتکاب جرم به طوری که قانون معین میکند حکومت نظامی اعلان شده باشد .

ماده ۱۹۷ هرگاه کسی متهم بارتکاب چند جرم از درجات مختلفه باشد در محکمه محاکمه میشود که صلاحیت رسیدگی رابه مهم ترین جرم دارد

ماده ۱۹۸ - شرکاء ومعاونین مجرم در محکمه محاکمه میشوند که صلاحیت حکم را در باره مجرم اصلی دارد .

ماده ۱۹۹ - هرگاه کسی مرتکب جرمی شود در محکمه رسیدگی میشود که جرم در حوزه آن وقوع یافته واگر شخصی مرتکب چندین جرم در جاهای مختلف بشود در محکمه بآن جرم رسیدگی می‌شود که مهمترین از جرائم در حوزه آن واقع شده است وهرگاه جرم های مرتکب از یکدرجه باشد محکمه که مرتکب درحوزه

آن گرفتار شده (یعنی دستگیر شده) بآن رسیدگی
می نماید و در این مورد مستنطق هر محلی تحقیقات
لازمه را موافق تکالیف خود بعمل آورده بمدعی العموم
محکمه که باید رسیدگی نماید نتیجه تحقیقات را ارسال
می دارد .

ماده ۲۰۰ ، هر گاه یکی از تبعه ایران در خارجه
مرتکب جنحه یا جنایتی شده ودر ایران بدست بیاید در
محکمه محاکمه می شود که در حوزه اومقصر را یافته اند

فصل دوم

در رفع اختلاف راجع بصلاحیت

ماده ۲۰۱ — برای رفع اختلافاتیکه در مسئله صلاحیت
فیما بین محاکم حاصل شده موافق مواد قوانین محاکمات
حقوقی با رعایت مواد ذیل رفتار میشود

ماده ۲۰۲ ـ امور راجعه باختلافات مذکوره در
ماده قبل در محکمه عالی (محکمه که از حیثیت درجه
بالاتر است) در دو مورد ذیل طرح میشود (۱) به
واسطه شکایت اشخاصیکه در امر شرکت دارند (ب)
بتکلیف مدعی العموم

ماده ۲۰۳ ـ حدوث اختلاف در باب صلاحیت
وطرح آن در محکمه عالی باعث توقیف تحقیقات مقدماتی
نمیشود ولی شروع بمحاکمه وصدور حکم تا تسویهٔ اختلاف

به تعویق میافتد

ماده ۲۰٤ رفع اختلاف مابین محاکم و عدلیه نظامی بادیوان تمیز است که پس از خواستن توضیحات لازمه از وزارت جنك رسیدگی کرده حکم میدهد ؛

فصل سوم

در احاله دعوی جزائی از محکمه بمحکمه

ماده ۲۰۵ ـ احاله دعوای جزائی از محکمه به محکمه (از حوزه بحوزه دیگر) باید باجاز ه محکمه عالی)محکمه که از حیث درجه بالاتر است) باشد و استدعای احاله یا توسط محکمه تالی که مشغول رسیدگی بامری است بعمل میآیدیابتکلیف مدعیالعموم محکمهمذکوره

ماده ۲۰٦ ـ محکمه عالی احاله کار را ازمحکمه تالی بمحکمه تالی دیگر (که هر دو در حوزه آن محکمه عالی هستند) در دو مورد ذیل اجازه می دهد (الف) در صورتیکه بیشتر متهمین یا شهود امری که وقوع یافته در حوزه محکمه دیگری اقامت دارند (ب) وقتیکه محل وقـوع جرم از محکمه که صلاحیت رسیدگی رادارد دور است ومحکمه دیگر بواسطه نزدیکی بهتر میتواند رسیدگی کند

ماده ۲۰۷ ـ دیوان تمیـز حـق دارد در غیر موارد مذکوره درماده قبلهم اجازه احاله دعویجزائیرا ازیك حوزه بحوزه دیگری بدهد درصورتیکهدیوان مزبور

این اقدام را برای صدور حکم در محکمه تالی از روی بی غرضی یا حفظ انتظام و امنیت عمومی لازم بداند .

ماده چهارم قانون ۱۶ آذر ماه ۱۳۰۶

حکم احاله که بموجب ماده ۲۰ اصول محاکمات جزائی برای رسیدگی بیك دعوی از محکمه به محکمه دیگر بتوسط دیوان عالی تمیز داده میشود شامل تحقیقات مقدماتی نیز که خواه بتوسط مامورین کشف جرایم و خواه به توسط مستنطق بعمل میاید خواهد بود و این تقاضا ممکن است توسط مدعی العموم بدایت محکمهٔ که قانوناً صلاحیت رسیدگی دارد یا محکمه که باید رسیدگی بآنجا احاله شود بعمل آید در هر حال وزیر عدلیه میتواند در موارد مذکوره در ماده ۲۰۷ توسط مدعی العموم دیوان تمیز تقاضای احاله امر را از دیوان مزبور بنماید

فصل چهارم

در رسیدگی محاکم صلحیه

مبحث اول

در صلاحیت محاکم صلحیه

در مواردیکه محاکم مزبوره شروع برسیدگی میکنند

ماده ۳۰۸ ــ محاکم صلحیه بکلیه خلافها و همچنین

جنحه های کوچك رسید کی کرده قطع و فصل مینمایند لهذا تقط اموری بمحاکم صلحیه راجع است که مجازات آن بیش از یکماه حبس یا درموارد عرفی بیش از پنجاه‌تومان جزای نقدی نباشد

ماده ۲۰۹ ـ محکمه صلحیه در یکی از موارد ذیل شروع برسیدگی میکنند (۱) بموجب شکایات اشخاص بواسطه ضرر و زیانی که از جرم باتان وارد آمده (۲) بموجب اخبار کمیسرهای نظمیه و مامورین رسمی (۳) در موارد جرم مشهود

ماده ۲۱۰ ـ مدعیان خصوصی میتوانندشخصا یا بتوسط وکیل شکایت نمایند وکلا تابع قواعدی هستندکه درقوانین تشکیلات عدلیه و قوانین محاکمات حقوقی مقرر است

ماده ۲۱۱ ـ در عرضحال و شکایات بایدقید شود

(۱) اسم ـ اسم پدر ومحل اقامت مدعی «۲» موضوع شکایت و اینکه در چه وقت واقع شده «۳» ضرر و زیانی که بمدعی وارد آمده است «۴» شخصی که‌طرف سوء ظن است و محل اقامت‌او «۵» مطلعین واقعه با دلائل قضیه (۶) تاریخ وقوع

ماده ۲۱۲ ـ عرضحال‌ممکن است کتبی یاشفاهی باشد و اگر شفاهی باشد باید در دفتر محکمه صلحیه قید شده بعد از قرائت بامضای مدعی برسد و اگر نتواند امضاء نماید مراتب قید میشود

ماده ۲۱۳ ـ هر گاه طرف مدعی غیر معین بوده یادلائل اقامه دعوی کافی نباشد و امر از اموری باشد که اهمیت داشته و صرف نظر از شکایت مدعی خصوصی قابل عقیب و رسیدگی باشد محکمه صلحیه بکمیسر پلیس یا قائم مقام او مراتب را اطلاع داده اجرای تحقیقات لازمه را میخواهد

ماده ۲۱۴ ـ مدعی میتواند بدوا در باب ضرر و زیان خود بنظمیه رجوع نماید در این مورد نظمیه پس از تحقیقات اطلاعات و نتیجه تحقیقات خود را بمحکمه صلحیه میفرستد

ماده ۲۱۵ ـ اداره نظمیه و مامورین دولتی هر گاه جرائمی را کشف کنند که رسیدگی آن راجع بمحاکم صلحیه بوده و صرف نظر از وجود یا فقد مدعی یا شاکی قابل تعقیب باشد بمحاکم صلحیه اطلاع میدهند

در موارد مزبوره باید اطلاعات ذیل صریحا در اعلاننامه قید شود (۱) جرم در کجا واقع شده است (۲) کی طرف سوء ظن است و بچه دلیل (۳) مدعی و شهودی درقضیه هست یا نه (۴) محل اقامت اشخاص مذکور (در صورتیکه) باشند

ماده ۲۱۶ ـ در مواردیکه اداره نظمیه و مامورین دولتی اعلام جرمی بمحکمه صلحیه مینمایند در موارد ذیل میتوانند مقصر را با اعلامنامه بمحکمه صلحیه بفرستند (۱) در صورتیکه نظمیه مرتکب را در حین ارتکاب بدست آورده است و محل اقامت او معین نیست و نمیتوان اطمینان باظهار

او درباب اسم و محل اقامت او حاصل نمود (۲) در صورتیکه عمل مرتکب مستلزم مجازات حبس است و احتمال میرود که آثار ارتکاب خود را معدوم نماید یا فرار کند

ماده ۲۱۷ — در موارد، جرائم مشهوده امین صلح در صورت لزوم تحقیقات لازمه اجرای آن را از نظمیه میخواهد و هر گاه نظمیه مسامحه در اجرای آن نماید امین صلح مراتب را بمدعی العموم محکمه ابتدائی اطلاع میدهد و همچنین است در مورد اقدامات خلاف قاعده صاحب منصبان ژاندارم

مبحث دوم

در احضار

ماده ۲۱۸ ـ احضار متهم یا مقصر توسط احضار نامه کتبی بعمل میاید

ماده ۲۱۹ ـ در احضار نامه باید قید شود (۱) اسم و شهرت کسی احضار میشود (۲) محکمه که احضار میکند (۳) جهت اظهار (٤) عدم نتیجه حضور

تبصره ـ قواعد تبلیغ احضار همان است که در قوانین محاکمات حقوقی مقرر است

ماده ۲۲۰ ـ موعد احضاریه لااقل بیست و چهار ساعت از روز ابلاغ احضار نامه بطرف اقامتگاه او است

برای هرچهار فرسخ مسافت اقامتگاه متهم یا مدعی علیه از محکمه یکروز علاوه میشود هر گاه امر فوتی باشدمتهم را میتوان زود احضار کرد

ماده ۲۲۱ ـ شخصی که احضار شده میتواند شخصاً حاضر شود یا وکیل بفرستد ولی اگر محکمه صلح حضور او را لازم دید باید شخصاً حاضر شود

ماده ۲۲۲ ـ در صورت ضرورت حضور متهم یا مقصر هرگاه مشار الیه حاضر نشود امین صلح ورقهجلب رای او میفرستد مضمون ورقهجلب مثل ورقه احضار است

ماده ۲۲۳ ـ روز رسیدگی بمدعیاطلاع دادهمیشود در موارد اعلاماتی که مأمورین دولتی در بابت جرمی دادهاندخود یانماینده آنان با وکالتنامه باید حاضر شوند .

ماده ۲۲٤ ـ مطلعین یا شهود تحقیق را اگرطرفین خودشان نیاوردهاند توسط محکمه احضارمیشوند شهودیکه از تابین نظامی هستند باید بتوسط رؤسای دسته ها ئیکه در آنجا مشغول خدمتاند احضار شوند و هرگاه رؤساء تصدیق دهنده بواسطه خدمت نظامی نمیتوانند حاضر شوند در محل خدمت شهادت آنان اخذ میشود

ماده ۲۲۵ ـ هرگاه شهود بدون عذر موجه درروز مقرر حاضر نشدند و محل اقامت آنان در جائیاستکه بیش از دو فرسخ از صلحیه مسافت ندارد بحکم محکمه

جلب خواهند شد

ماده ۲۲۶ ـ شاهد میتواند در ظرف یکهفته عذر موجه خود را بصلحیه پیشنهاد کند و هر گاه محکمه صلح اعتذار او را پذیرفت جلب نشده احضار نامه ثانوی فرستاده خواهد شد

ماده ۲۲۷ـ هر گاه عده شهود زیاد بوده و تماما در محلی مقیم باشند یا شاهد بواسطه مرض نتواند در محکمه حاضر شود در محل یا در منزل شخصی استماع شهادت آنان خواهد شد و هر گاه شاهد در حوزه محکمه صلحیه دیگری اقامت داشته وبعد مسافت بیش ازدوفرسخ باشد میتوان شهادت اورا توسط آنمحکمه صلح استماع نمود

ماده ۲۲۸ ـ هر گاه محکمه از شهود و ارباب اطلاع کسب اطلاع نماید و بعد معلوم شود که خلاف واقع گفته‌اند اعم از اینکه برنفع یا ضرر یکی از طرفین دعوی باشد (اولا) اگر شهادت جعلی آنان موجب خساراتی شده محکوم بتادیه آن خواهند بود (ثانیا) درهرحال کذب شهادت آنان باعلان درعدلیه ومطبوعات نشرخواهدشدو هر گاه التزام داده باشند که بصحت ادای شهادت نمایند بحکم محکمه که صلاحیت دارد بمجازات قانونی محکوم میشود

ماده ۲۲۹ ـ مخارج احضار شهود و حق الزحمه آنان در صورتی که مطالبه شود بعد از تعیین محکمه بعهده کسی است که بشهادت آنان استناد کرده و در موقع جزو مصارف عدلیه از محکوم علیه دریافت میشود

مبحث سوم

در تأخیر رسیدگی و اقدام

در ممانعت از فرار

ماده ۲۳۰ ـ تاخیر رسیدگی یا بتراضی طرفین و بخواهش یکی از متداعیین بعمل میاید در صورت اخری باید خواهش تاخیر با دلیل باشد

۲۳۱ ـ در اوضاع و احوال کار و ضرورت تحقیقات لازمه مستلزم تاخیر باشد محکمه صلح میتواند خودش رسیدگی را بتاخیر اندازد

ماده ۲۳۲ ـ هرگاه بعد از انقضای مدت یکی ازطرفین حاضر نشد طرف دیگر میتواند در صورتیکه حضور او را غائب تقاضا کرده باشد تادیه مخارج حاضر شدن خود را از غائب مطالبه نماید و در صورتیکه غیبت شخص غائب موجه نبوده محکمه صلحیه حکم تادیه آنرا میدهد

ماده ۲۳۳ ـ هیچگدام از طرفین نمیتوانند در حین محاکمه بدون اطلاع محکمه صلح از محل اقامت خودشان حرکت نمایند

ماده ۲۳۴ ـ در صورتیکه محکمه صلح احتمال فرار متهم یا مقصر را بدهد پس از مطالبه مدعی بسته باهمیت

مسئله التزام عدم حرکت یا وجه الضمانه یا کفیل میگیرد

ماده ۲۳۵ – محکمه صلح مقدار وجه‌الضمانه را که باید متهم یا دیگری از طرف متهم ودیعه بگذارد نظر باهمیت مجازاتیکه پس از ثبوت تقصیر متهم داده میشود و نظر باستطاعت کفیل معین مینماید .

ماده ۲۳۶ – در صورتی که ادعای مدعی مبنی بر دلایل کافیه باشد مقدار وجه الضمانه نباید کمتر از ادعای ضرر مدعی خصوصی باشد .

ماده ۲۳۷ – قراریکه امین صلح در باب قبول ودیعه گذاشتن وجه‌الضمانه میدهد باید خود امضا کرده وبامضای ودیعه گذارنده یا کفیل نیز برسد .

ماده ۲۳۸ – ودیعه گذاشتن وجه الضمانه یا دادن کفیل نقض ماده (۲۳۳) را نمیکنند .

ماده ۲۳۹ – هرگاه متهم فرار نماید یا مخفی شود وجهی که ودیعه گذاشته شده یا وجهی که از کفیل گرفته میشود بتادیه ضرر و زیانی که مدعی خصوصی ادعا کرده است صرف ومابقی از بابت مصارف عدلیه محسوب میشود .

مبحث چهارم

در رد امنای صلحیه

ماده ۲٤۰ مواد رد امنای صلح همان است که در ماده (۳۳۲) و (۳۳۳) این کتاب مقرر است در صورت رد اظهار آن را مدعی درموقع دادن عرضحال ومدعی علیه بامتهم در روز اول که بمحکمه حاضرمیشودباید بنماید درصورت قبول رد یا استعفای امین صلح رسیدگی را بنزدیکترین محکمه صلح دیگر رجوع میکنند .

مبحث پنجم

در ترتیب رسیدگی

ماده ۲٤۱ ـ رسیدگی محکمه صلح علنی است باستثنای موارد ذیل که محاکمه بدون تماشاچی بعمل میاید (۱) در امور راجعه بحقوق خانواده (۲) درموارد راجعه بعصمت (۳) درمواردیکه علنی بودن محاکمه برخلاف اخلاق حسنه وحفظ امنیت وانتظام مملکتی است

ماده ۲٤۲ ـ طرفین چه حاضر باشند و چه نباشند حق دارند برای مرافعه وکیل معین کنند .

ماده ۲۴۳ ـ محکمه بعدازاظهار مطلب واقامه دعوی از متهم میپرسد که خود را مقصر میداند یا نه هرگاه متهم ساکت شد یا انکار کرد شروع باستماع شهود و دلائل طرفین کرده رسیدگی میکنند .

ماده ۲۴۴ ـ شهادت اشخاص مفصله مسموع نیست (۱) شهادت مجانین و اشخاص مختل‌العقل (۲) شهادت وکیل طرفی نسبت باقرار موکل خودش .

ماده ۲۴۵ ـ زوج یا زوجه متهم یا متهمه وهمچنین اسلاف واعقاب و برادر و خواهر او میتوانند از ادای شهادت امتناع نمایند و اگر امتناع نکردند بدون التزام شهادت آنان شنیده میشود .

ماده ۲۴۶ ـ شهادت اشخاص ذیل را بدون خواستن التزام استماع مینمایند (اول) اشخاصیکه بحدبلوغ نرسیده‌اند (دوم) اشخاص مفصله ذیل در صورتیکه یکی از طرفین آنانرا رد کرده باشند (۱) اشخاصیکه بواسطه ارتکاب به جنایات محکوم شده اند (۲) زوج یا زوجه مدعی خصوصی و اسلاف و اعقاب یا برادران و خواهران وسایراقربای او تا درجه‌سیم (۳) اشخاصیکه قیم . ولی یا مباشر امور یکی ازطرفین هستند یا با یکی طرفین محاکمه دارند .

ماده ۲۴۷ ـ باستثنای مواردی‌که درموارد قبل مذکور

استشهود باید قبل از دادن شهادت التزام دهند که صحت و راستی ادای شهادت خواهند کرد .

[تنبیه] آنچه در شرایط شهادت در چهار ماه قبل مذکور است راجع بشهود تحقیقی است اما شرایط بینه شرعیه که میزان قضاوت شرعی است همان شرایطی است که در شرع مقرر است

ماده ـ ۲۴۸ هر دفعه که محکمه صلح شهادت شاهد طرفی را استماع مینماید بطرف دیگر اظهار میداردکه اگر از شاهد سئوالی لازم میداند بنماید

ماده ۲۴۹ ـ حاکم صلح سئولاتی را که برای وقع اختلاف و توضیحات مسئله لازم است از طرفین و شهود آنان خواهد کرد درصورتیکه متهم جواب سئوالات را ندهد محکمه صلح بدون اینکه متهم را بدادن جواب مجبور کند شروع برسیدگی دلایل مینماید و دلایل طرفی را به طرف دیگر اظهار داشته جواب میخواهد

ماده ۲۵۰ - در مواردیکه ممکن است دعوی بصلح ختم شود محکمه صلح برسیدگی دلایلی که طرفی اظهار مینماید اکتفا میکند

ماده ۲۵۱ ـ تحقیقات و معاینات محلی را در حین محاکمه خودامین صلح یا حاکم‌صلح یا کمیسر نظمیه یاصاحب منصب ژاندارم بماموریت از طرف محکمه صلح بعمل‌میاورد

و ی‌واگذار کردن تحقیقات بعهده کمیسری نظمیه وصاحب منصبان ژاندارم یا قائم‌مقام آنان در صورتی جایز است که خود امین صلح یا حاکم صلح نتوانند بمعاذیر موجه شخصا اقدام نمایند و نیز تاخیر تحقیقات ممکن نباشد

مادهٔ ۲۵۲ ـ هرگاه یکی از طرفین ایراد موجهی بصحت تحقیقات نظمیه بنماید محکمه صلح باید شخصا به تحقیقات مزبور رسیدگی کند

ماده ۲۵۳ ـ معاینات وتحقیقات محلی درحضور دو نفر شاهد و اشخاصیکه در امر جزائی شرکت داشته و حاضر شده‌اند بعمل میاید و در مورد تحقیقات در خانه کسی صاحب خانه برای حضور دعوت میشود و هرگاه مشارالیه نباشد یکی از اهل خانه که قائم‌مقام صاحب خانه است دعوت خواهد شد .

ماده ۲۵۴ ـ تحقیقات و تجسسات در منزل اشخاص باستثنای مواردیکه ضرورت اقتضاء کند در روز بعمل‌میاید

ماده ۲۵۵ ـ درمواردی که حضور اهل‌خبره لازم باشد دعوت میشوند

ماده ۲۵۶ ـ محکمه صلح مقدارضرر و زیان وقیمت اشیائی را که موضوع ادعا است بعد از استماع دلائل طرفین و عقیدهٔ اهل خبره در صورتیکه عقاید آنان لازم باشد معین میکنند

ماده ۲۵۷ — هر گاه اهل خبره درحین تحقیقات بدون عذر موجه حاضر نشوند جلب خواهند شد

ماده ۲۵۸ ـ محکمهٔ صلح سن متهم را فقط در صورتی می پرسد که برای تعیین مجازات لازم باشد

ماده ۲۵۹ ـ در صورتیکه محکمه صلح مشاهده کند که کار از صلاحیت او خارج است باید مسئله را بمد عی العموم محکمه ابتدائی ارجاع نماید

ماده ۲۶۰ ـ در مواردیکه حاکم صلح یا امین صلح در ترتیبات رسیدگی و سایر امور دچار اشکالی میشوند مواد این فصل را با قوانین محاکمات جزائی سایر محاکم تطبیق و رفع اشکال خودشانرا مینمایند

مبحث ششم

در حکم

ماده ۲۶۱ ـ محکمهٔ صلح بعد از رسیدگی دلائل اظهارات و تحقیقات را در نظر گرفته تقصیر یا عدم تقصیر متهم را معین می کند ودرصورت تقصیر مجازاترا موافق قانون تشخیص داده حکم می دهد

ماده ۲۶۲ ـ در موردیکه ممکن بصلح ختم میشود قبل از صدور حکم محکمه صلح جهد وافی در اصلاح ذات البین بعمل

میاورد و هر گاه موفق نشد حکم میدهد

ماده۲۶۳ ـ محکمه صلح در دو صورت ثبوت تقصیر متهم را فورا مرخص میکنند وهرگاه محقق شود که ادعای مدعی مبنی بر غرض بوده او را بتادیه مصارف محاکمه و خسارت طرف در صورت ادعای او و ثبوت محکوم می نماید

ماده ۲۶۴ ـ هرگاه متهم مقصر شد علاوه بر مجازات محکوم خواهد بود بتادیه مصارف محاکمه و بتادیه ضرر وزیانی که از طرف مطالبه و ثابت نموده است

ماده ۲۶۵ ـ درصورتیکه مقصر محکوم بجزای نقدی شده و استطاعت تادیه آنرا نداشته باشد محکمه صلح مجازات او را موافق قانون تبدیل بجزای دیگری که مطابقت داشته باشد نموده مقدار آنرا معین میکند

ماده ۲۶۶ ـ احکام محکمه صلح در مورد جزاهای ذیل قطعی است (۱) تحذیر (۲) توبیخ و شماتت (۳) جزای نقدی الی پنجتومان « در مواردعرفی » « ٤ » توقیف الی دو روز

ماده ۲۶۷ ـ حکم محکمه صلحیه در تادیه خسارت الی ۲۰ تومان نیز قطعی است

ماده ۲۶۸ ـ آلات و اشیائی را که محکمه حین تحقیقات بدست آورده است میتواند بصاحب آنهارد کند ولی بشرط التزام که در حین رسیدگی در محکمه ابتدائی آلات

و اشیاء مزبور را در محکمه ارائه بدهند
ماده ۲۶۹ ـ مضمون حکم را حاکم یا امین صلح نوشته و بعد از ختم رسیدگی علناً میخواند .
ماده ۲۷۰ محکمهٔ صلح بعد از اعلام حکم بطرفین اظهار میدارند که در چه موارد و در چه مدت میتوانند حکم محکمه را استیناف نمایند و هر گاه حق استیناف را ساقط کنند حکم محکمه قطعی شده فورا اجرا خواهد شد
ماده ۲۷۱ ـ حکم بعد از اعلام باید در ظرف سه روز انشاء شود و در حکم باید نکات ذیل مصرح باشد (ا) تاریخ حکم (ب) اسمو اسم پدر اشخا صیکه در امر جزائی دخیل بوده اند (ج) دلائل مدر ك حکم (د) ماهیت حکم و قوانینی که مبنای حکم است (ه) تعیین مقدار مخارج محاکمه حکم باید بامضا ی امین صلح برسد
ماده ۲۷۲ ـ حکم محکمه در صور ت مجلس یا در دفتر مخصوص ثبت میشود و سواد آنرا محکمه در صورت تقاضای یکی از طرفین باید تا روز سیم بدهد

مبحث هفتم

در احکام غیابی

ماده ۲۷۳ ـ هر گاه متهم در موعد مقر ر حاضر

نشد یا اینکه در موقعیکه بایستی شخصا حاضر شود وکیل فرستاد محکمه پس از رسیدگی حکم غیابی موافق اصولی که برای محکمه جنحه مقرر است خواهد دادوهمچنین در باب ضرر و زیان وارد بر مدعی خصوصی نیز موا فق اصول مزبوره حکم غیابی میدهد

مادهٔ ۲۷۴ ـ هرگاه مدعی یا شاکی بدون عذر موجه حاضر نشد و امر از اموری است که بصلح میتوان تمام کرد محکمه رسیدگی را موقوف میدارد و دراموریکه بصلح خاتمه پذیر نیست بدلائلی که مدعی در عرض حال اقامه کرده و حکم میدهد و این حکم را روز قرائت آن در محکمه علنی مثل این است که به مدعی اعلام شده باشد

ماده ۲۷۵ ـ سواد حکم غیابی بمحکوم علیه ابلاغ میشود و مشار الیه در ظرف ۵ روز میتوانند بحکم مزبور اعتراض نماید

ماده ۲۷۶ ـ سایر ترتیبات حکم غیابی ورسیدگی بعد از اعتراض بطوری است‌که برای محاکم‌جنحه‌مقرر است

مبحث هشتم

در صورت مجلسی که محاکم صلح ترتیب میدهند

ماده ۲۷۷ ـ ماحصل رسیدگی خود را محاکم صلح

در صورت مجلس یا در دفتر مخصوص قید میکنند و آن از قرار ذیل است (۱) تاریخ شروع بکار(۲) اسم متداعیین و وکلای آنان (۳) مفاد شکایت(٤) احضار طرفین و شهود و عدم حضور و جلب آنان و حکم جلب متهم و اقداماتی که برای جلوگیری ازفرار شده است (۵) دلائل طرفین و شهادت شهودوگرفتن التزام از آنان و تحقیقات و معاینات محلیو عقیدهٔ اهل خبره (٦) علنی یا غیر علنی بودن محاکمه (۷) صلح طرفین و یا رجوع کار بمدعی (۸) مفاد حکم و تاریخ اعلام آن (۹) شکایت استینافی یااعتراضی و فرستادن دفتر کار بمحکمه ابتدائی و گذشتن طرف یا طرفین از حق استینا ف (۱۰) اقدا مات برای اجرای حکم

ماده ۲۷۸ ـ شهادت‌شهود برای‌شهودوصلحنامه‌برای‌طرفین قرائت و پس از تصحیح هر گاه تصحیح لازم باشددر مو رد اولی بامضای شهود و در مورد ثانو ی بامضای متداعیین میرسد صورت مجلس معاینات و تحقیقات محلی برای طرفین و شهود و اهل خبره قرائت شده‌بامضای آنان و اشخاصیکه اجرای تحقیات‌مزبوره نموده اندمیرسد و اگر نتوانند یا نخواهند امضاء نمایند مراتب‌در صورت مجلس قید شود

مبحث نهم

در شکایت از احکام غیر قطعی

محاکم صلحیه

ماده ۲۷۹ ـ طرفین میتوانند از احکام غیر قطعی محاکم صلحیه در کلیه مواردی که بآنان راجع است شکایت نمایند ولی هرگاه ادعای جزائی از طرف کمیسر پلیس یا یکی از ادارات دولتی اقامه شده مدعی خصوصی فقط از حیث ضرر و زیان خودمیتواند استیناف نماید

ماده ۲۸۰ ـ کمیسر پلیس یا کدخدا نیز می تواند از احکام مزبوره شکایت نماید و شکایت نامه خود را باید نزد مدعی العموم محکمه ابتدائی بفرستند

ماده ۲۸۱ ـ مدعی العموم مختار است که بعد از تحقیق شکایت را بمحکمه صلح فرستاده توضیحات بخواهد یا از تعقیب شکایت امتناع نموده مراتب را بامین صلح اطلاع دهد

ماده ۲۸۲ . مدت شکایت استینافی از روز اعلام حکم ده روز است و برای هر چهار فرسخ مسافت یک روز علاوه میشود

ماده ۲۸۳ ـ شکایت کتبی است یا شفاهی و سواد آن بطرف ابلاغ میشود

ماده ۲۸٤ ـ محکمه صلح پس از رسیدن عرضحال استینافی قبض رسید داده و در ظرف سه روز آنرابا متعلقات کار بمحکمه جنحه میفرستند و در صورتیکه‌مدعی العموم محکمه ابتدائی استیناف داده باشد نزد مدعی العموم ارسال میدارد

ماده ۲۸۵ ـ در موارد ذیل از اقدامات و قرار های محکمه صلحیه میتوان قبل از صدور حکم شکایت نمود (۱) از تعطیل و تعویق رسیدگی (۲) از عدم قبول عرضحال و اعتراض بر حکم غیابی و عرضحال استینافی (۳) قرار محکمه در باب توقیف متهم‌شکایت‌ـ های مذکوره از قرار های محکمه باید در ظرف پنج روز از روز اعلام قرار محکمه بعمل آید شکایت از تعطیل و تعویق موعد مقرر ندارد و همیشه پذیرفته‌است

ماده ۲۸٦ ـ استیناف از قرار محکمه صلح در باب توقیف متهم اجرای آنرا بتاخیر نمی‌اندازد مگر اینکه متهم وجه الضمانه ودیعه بگذارد یا کفیل بدهد

ماده ۲۸۷ ـ استیناف حکم محکمه صلح موجب تعویق اجرای آن است ولی اگر محکمه صلح قبل از صدور حکم قراری درباب توقیف متهم داده باشدموافق ماده قبل رفتار میشود

ماده ۲۸۸ - هرگاه بموجب حکم محکمه صلحیه متهمی که در توقیف است برائت حاصل نماید استیناف حکم اجرای آنرا بتعویق نمی اندازد ومتهم باید رها شود .

ماده ۲۸۹ - شکایتهای مذکوره در ماده قبل دریك نسخه بمحکمه صلح و در نسخه دیگر بمحکمه جنحه داده می شود و امین صلح مکلف است که اوراق و منضمات کار را در ظرف بیست و چهار ساعت بعد از وصول شکایت بمحکمه جنحه بفرستد .

مبحث دهم

در رسیدگی استینافی در محکمه جنحه

ماده ۲۹۰ - رسیدگی استینافی بترتیبی بعمل میاید که برای رسیدگی محاکم جنحه مقرر است طرفین بر حسب اصول احضار میشوند ولی اگر حاضر نشدند رسیدگی به تاخیر نمی افتد مگر اینکه محکمه حضور آنانرا لازم بداند

ماده ۲۹۱ - رسیدگی استینافی بقرائت حکم محکمه صلح و عرضحال استینافی شروع میشود و بعد طرفین توضیحات خودرا میدهند وهرگاه لازم شود استماع شهادت شهود وهمچنین در صورت لزوم تحقیقات ومعاینات تجدید میشود و اگر طرفین یا طرفی دلایل جدیدی دارند

اقامه مینمایند و توضیحات لازمه را برای روشن کردن مسئله رئیس محکمه و مدعی العموم میخواهند .

ماده ۲۹۲ — هر گاه امر از امووری است که میتوان باصلاح ذات البین ختم نمود محکمه قبل ازحکم تکلیف صلح مینماید

ماده ۲۹۳ — مدعی العموم قبل از صدور حکم اهمیت دلایل طرفین و همچنین بقوانین اشاره کرده عقیده خو را اظهار میدارد و پس از آن باز رئیس محکمه یك دفعه بمتهم یاوکیل اجازه نطق داده محاکمه را ختم میکند

ماده ۲۹۴ — امین صلح را میتوان برای توضیحات بمحکمه خواست ولی پس‌ازدادن توضیحات باید از محکمه خارج شود

ماده ۲۹۵ — محکمه جنحه در حکم خود حکم‌محکمه صلح را تایید و تصدیق مینماید و یاحکم جدیدی‌میدهد ولی مجازات را نمیتواندشدیدتر معین‌کنند مگر بتقاضای مدعی العمومی و آنهم بعداز اقامه دلایل

ماده ۲۹۶ — صدور حکم و اعلان آن و سایر ترتیبات راجعه به حکم‌بطوری است‌که برای محاکم جنحه‌مقرراست و حکمی که پس از رسیدگی استینافی صادر میشود قطعی‌است

مبحث یازدهم

در تمیز

ماده ۲۹۷ ـ تمیز احکام قطعی محاکم جنحه (که استینافا صادر شده) درمواردی و به ترتیبی بعمل میآید که در باب پنجم این کتاب مقرر است بارعایت مواد آتیه

ماده ۲۹۸ ـ احکام قطعی محاکم صلحیه غیر قابل تمیز است هرگاه حکم قطعی محاکم جنحه (استینافاصادر شده) راجع بتوقیف متهم باشد تمیز حکم مذکور اجرای آنرا بتعویق میاندازد بشرط ودیعه گذاشتن وجه الضمانه بادادن کفیل ولی اگر متهمی که در توقیف است بحکم محکمه جنحه برائت حاصل کند تمیز آن حکم اجرای آن را بتعویق نمیاندازد و متهم باید رها شود

ماده ۲۹۹ ـ اجرای حکم در مورد جزای نقدی یا تادیه ضرر و زیان مدعی خصوصی بتعویق نمیافتد مگر اینکه وجه الضمانه از محکوم گرفته شده در صندوق محکمه یاجای مطمئن دیگری تاصدور حکم تمیزودیعه‌گذاشته شود

مبحث دوازدهم

در اجرای احکام محاکم صلحیه

ماده ۳۰۰ در موارد ذیل احکام محاکم صلحیه

قطعی میشود (۱) هرگاه طرفین اعلام نمایند که حق استیناف خود را ساقط مینمایند (۲) هرگاه حکم محکمه در موعد مقرر استیناف نشود (۳) هرگاه بحکم غیابی در موعد مقرر نه اعتراض شودونه ازحکم مزبور درمواردی که قابل استیناف بوده استدعای استیناف شود

ماده ۳۰۱ ـ احکام قطعی محاکم صلحیه توسط صاحب منصبان اجرا یا نظمیه اجرا میشودبطوریکه قانون‌معین میکنند

ماده ۳۰۲ ـ هرگاه حضور مقصر محکوم در حین اجرا لازم شود خود او را شخصا احضار میکننند و اگر حاضر نشد جلب میکننند و اگر محکوم در حوزه محکمه صلحیه دیگری باشد اجرای‌حکم‌بتوسط‌آن محکمه بعمل میآید

ماده ۳۰۳ ـ خسارت محکوم له را نمیتوان ازمحکوم علیه باقساط گرفت (در صورت عدم استطاعت تادیه تمام آن) در حین تادیه قبض رسید بمحکوم علیه داده و مقدار وجه در دفتر قید میشود درصورتیکه در موعد مقرر اقساط را بمحکوم علیه نرسانید اقدام فوری برای اجرای حکم بعمل میآید

ماده ۳۰۴ ـ محکومین بتوقیف را باید در توقیف‌گاه نگاه داشت

فصل پنجم

در رسیدگی بمحکمهٔ جنحه

مبحث اول

در اصلاحیت محکمهٔ جنحه و کیفیت

شروع بمحاکمه

ماده ۳۰۵ ـ محکمه جنحه در یکی از مواد ذیل اقدام برسیدگی جرمی که در جنحه های بزرك است مینماید (اول) بموجب تقاضانامه مدعی العموم ابتدائی (دوم) برحسب عرضحال مدعی خصوصی (سوم) بموجب صدور حکم محکمه استیناف در تعقیب امر جزائی

ماده ۳۰۶ ـ در جنایات لازم است قبل از محاکمه تحقیقات مقدماتی و استنطاقات بعمل بیاید ولی در موارد جنحه هر گاه مدعی العموم بتواند بیان ادعاء خود را بدون تحقیقات و استنطاقات مستنطق بمحکمه بدهد میتواند همینکه امری را از صلاحیت محکمه جنحه دید اقدام نماید تا در محکمه مذکوره رسیدگی شود

ماده ۳۰۷ ـ در اموریکه بشکایت مدعی خصوصی تعقیب و محاکمه میشود هرگاه محکمه تحقیقات مستنطق را نظر باوضاع و احوال کار لازم نداند میتواند بدون تحقیقات اولیه و استنطاقات شروع بمحاکمه کند .

ماده ۳۰۸ ـ در مواردیکه مدعی العموم بیان ادعا به محکمه داده است سواد آن و صورت اشخاصیکه بمحکمه احضار میشوند بمتهم ابلاغ و اعلام میشود که هرگاه وکیلی انتخاب کرده است بمحکمه معرفی نماید و همچنین اگر اشخاص دیگری غیراز کسانیکه در صورت قید شده باید بمحکمه احضار شوند معین نماید

ماده ۳۰۹ ـ متهم میتواند ازرئیس محکمه خواهش کند وکیلی برای او معین نماید وکلا ازاشخاصی معین میشوند که موافق قانون صلاحیت وکالت را دارند در این صورت اقدامات وکیل مجانی خواهد بود .

ماده ۳۱۰ ـ متهم میتواند وکیل خودشرا تغییربدهد یا از رئیس تعیین وکیل جدید را تقاضا کند ولی این تقاضا بیش از یك نوبت پذیرفته نمی شود .

ماده ۳۱۱ ـ هرگاه کسی درامرجنحه از کسی شکایت داشته باشد باید عریضه بمحکمه بدهد و آن عریضه باید شامل اسم واسم پدر ومحل اقامت خود ومتهم باشد

ماده ۳۱۲ ـ بعداز تقدیم عرضحال محکمه طرف را

احضار مینماید وفاصله بین عریضه و رسیدگی لا اقل باید سه روز باشد هرگاه متهم در شهریکه مقر محکمه جنحه است نباشد برای هر چهار فرسخ مسافت یك روز اضافه می شود درصورتیکه متهم عذرموجهی برای عدم حضور داشته باشد مهلت کافی داده میشود .

ماده ۳۱۳ ـ درصورتیکه مجازات متهم موافق‌قانون جزای نقدی باشد متهم میتواند وکیل بمحکمه بفرستد

ماده ۳۱٤ ـ هرگاه جزای متهم موافق قانون غیر نقدی باشد در صورتیکه محکمه حضورمتهم را لازم بداند باید متهم شخصا درمحکمه حاضرشود اگرچه وکیل‌داشته‌باشد

ماده ۳۱٥ ـ هرگاه متهم پس‌از احضار بدون عذر موجه نه شخصا حاضرشد و نه وکیل فرستاد یا درموردی که باید شخصا در محکمه حاضرشود وکیل‌فرستاد درصورتی که محکمه حضور اورا لازم بداند حکم جلب اورا خواهدداد وتأدیه مصارف محاکمه ازبابت تاخیر برعهده متهم‌است واگر حضورمتهم‌رالازم نداند یعنی‌امرازاموری باشدکه‌محکمه‌بتواند درغیاب متهم رسیدگی نماید رسیدگی‌کرده حکم غیابی‌میدهد

ماده ۳۱٦ -- درمواردیکه محکمه حکم غیابی میدهد باید اظهارات و توضیحاتی را که متهم در حین تحقیقات مقدماتی داده است در نظر بگیرد .

ماده ۳۱۷ ـ مدت اعتراض برحکم غیابی پنج روز

است بعلاوه یکروز برای هرچهارفرسخ اقامتگاه متهم‌ازمحکمه

ماده ۳۱۸ ـ هرگاه متهم در مورد مقرر حاضر نشد ولی قبل ازصدور حکم حاضر شد محکمه دلایل او را استماع نموده وحکمی که پس از آن صادر میشود غیابی محسوب نمیشود .

ماده ۳۱۹ ـ هرگاه پس‌از صدور حکم غیابی‌شخص متمرد حاضر شده اعتراض و درخواست تجدید رسیدگی بنماید باید خسارت وارده برطرف را که مطالبه وثابت شده ازعهده برآید

ماده ۳۲۰ ـ هرگاه محکوم علیه پس از صدور حکم حاضرشده و اعتراض بر حکم نماید در صورتیکه اعتراض او بر وفق صحت باشد آن حکم از درجه اعتبار ساقط و حکم مجدد صادر میشود و هرگاه اعتراض او مقرون بصحت نباشد حکم سابق در اعتبار خود باقی میماند و لیکن محکوم علیه در موعد مقرر حق استیناف خواهد داشت

ماده ۳۲۱ ـ هرگاه مدعی خصوصی در موعد مقرر حاضر نشد و امر از اموری است که مدعی العموم در آن باب اقامه دعوی نکرده رسیدگی بکار موقوف میشود مگر اینکه مدعی العموم نظر بمصالح عامه تعقیب را لازم بداند ولی اگر رسیدگی موقوف شد بازمدعی

خصوصی میتواند در ظرف سه سال عرضحال جدیدی داده اقامه دعوی نماید

ماده ۳۲۲ ـ هرگاه متهم اعتراض بر حکم غیابی نماید و در رسیدگی مجدد مدعی خصوصی بدون عذر موجه حاضر نشود محکمه رسیدگی را بتاخیر نینداخته اظهارات و توضیحاتی را که مدعی خصوصی در حسن محاکمه غیابی سابق داده است در نظر میگیرد و حکم میدهد .

ماده ۳۲۳ ـ ثبوت جنحه و خلاف بواسطه اظهارات کتبی ضابطین عدلیه و راپورت اشخاصیکه برای تحقیق این امر مقرر شده اند و یا بواسطه اظهار مطلعین از واقعه بضمیمه تحقیقات محکمه حاصل میشود .

ماده ۳۲٤ ـ هرگاه اشخاصیکه برای تحقیق امور جرایم مقرر شده اند اعلام یا راپورتی در موارد جنحه بمحکمه بدهند اظهارات و اطلاعات آنان معتبر استمگر آنکه خلاف آن ثابت شود

ماده ۳۲۵ ـ شهود تحقیق و اشخاصیکه در محکمه اظهار اطلاع مینمایند بدوا باید متعهد شوند که چیزی برخلاف واقع نگویند و محکمه ازاسم و شغل آنان تحقیقات نموده منشی محکمه آن اطلاعات را ثبت مینماید پس ازآن شروع بعنوان مطلب میکند شرایط شهود و ترتیب

استماع شهادت همان است که از ماده (۲۴۴) تا ماده (۲۴۹) مذکور است .

ماده ۳۲۶ ـ متهم یا وکیل او حق دارد بعداز آنکه حاضر شد بدفتر خانه محکمه رفته از دوسیه اظهارات مدعی خصوصی و عمومی نسبت بخود اطلاعات لازمه را تحصیل نماید

ماده ۳۲۷ ـ رسیدگی و تحقیقات محکمه عموما باید علنی باشد باستثنای موارد ذیل (۱) در جرائم راجعه بعصمت (۲) در موارد اعمال شنیعه و جرائمی که بر ضد اخلاق حسنه است (۳) در اقداماتیکه برضد احساسات مذهبی میشود (٤) در مواردی که علنی بودن محاکمه مخل امنیت و انتظام مملکتی باشد محکمه قرار محاکمه سری را بعد از اظهار عقیده مدعی العموم میدهد

ماده ۳۲۸ ـ حضور اطفال و شاگردان مکاتب ابتدائیه و مدارس متوسط در محاکم جزائی ممنوع است وعده تماشاچی در محکمه باید باندازه وسعت مکان باشدو ازدحام و جمعیت بکلی ممنوع است

مبحث دوم

در محاکمه و حکم

ماده ۳۲۹ ـ تحقیقات و رسیدگی محکمه بدینطریق بعمل میاید بدوا تقاضانامه مدعی العموم که درذیل دوسیه تحقیقات

و استنطاقات مستنطق درج شده یا مضمون احضار نامه
که بواسطه تقاضانامه مدعی‌العموم بمتهم فرستاده شده‌قرائت
واگر اقامه‌دعوی از طرف‌مدعی خصوصی شده عرضحال
او خوانده میشود

بعد رئیس ازمتهم میپرسد که اقرار بجرم خود دارد
یا نه در صورت اقرار هرگاه اقرار متهم صریح‌وموجب
شك و شبهه یا تردیدی نباشد محکمه بطوریکه در ماده
بعد مذکور است اقدام میکندو در صورت انکاریا وجود
تردید در اقرار شروع بتحقیقات نمود شهود اگر باشند
شهادت خود را بر حسب اصول میدهند بعد به آلات
تحقیقه رسیدگی میشود

ماده ۳۳۰ ـ بعد از ختم تحقیقات هرگاه‌مدعی‌العموم
اقامه دعوی کرده باشد رئیس مدعی العموم اجازه می
دهد که ادعای خود را نموده اظهار عقیده نمایدبعدمتهم
یا وکیلش توضیحات لازمه داده‌امضاء مینماید بعد از آنکه
مذاکرات طرفین بقدر کفایت بعمل آمد رئیس قبل از
ختم مذاکرات باز یکدفعه بمتهم اجازه میدهد که هر گاه
اظهاری دارد بنماید و پس از آن هیئت محکمه برای
دادن رای باطاق مشاوره میروند

ماده ۳۳۱ ـ درصورتیکه اقامه دعوی رامدعی‌خصوصی
نموده بعداز افتتاح جلسه عرضحال مدعی خصوصی قرائت

میشود و بعد از آنکه سؤالات لازمه از متهم شد به استماع شهود و سایر تحقیقات اقدام و پس از ختم تحقیقات اول مدعی خصوصی اظهارات خود رامی کند بعد مدعی العموم ادعای خود را نموده اظهار عقیده مینماید بعد متهم جوابهای لازمه یا توضیحات را میدهدپس ازآنکه مذاکرات طرفین بقدر کفایت بعمل آمد رئیس باز یکدفعه اجازه نطق بمتهم داده مذاکرات را ختم مینماید

ماده ۳۳۲ ـ جهات رد از قرار ذیل است (ا) وجود قرابت نسبی یا سببی بین حاکم یا یکی ازطرفین با اشخاصیکه‌در امر جزائی دخیل اند(ب) در صورتیکه حاکم ولی یا مخدوم یکی از طرفین باشد یا یکی از طرفین مباشر یا متکفل امور حاکم باشد (ج) در صورتیکه‌حاکم یا عیال یا اولاد اووارث یکی از اشخاصیکه در امر جزائی دخیل اند بوده باشد (د) در صورتیکه حاکم‌درهمان امر جزائی مستنطق یامدعی العموم و یا جزو شهود یکی از طرفین باشد ـ

ماده ۳۳۳ ـ رد حکام در صورت وجود جهتی یاجهاتیکه در ماه قبل مذکور است باید لا اقل یکروز قبل از افتتاح جلسه رسیدگی بعمل آید مگر اینکه جهت رد بعد از انقضای مدت مزبور حادث یا کشف شده باشد در موارد مذکوره باید خود حکام هم از محاکمه استعفا نمایند .

ماده ۳۳٤ — اظهار رد بمحکمه داده میشودومحکمه

توضیحات لازمه را از حاکم مردود خواسته بدون حضور او قرار لازم را میدهد این قرار محکمه قبل‌از صدور حکم قابل شکایت نیست

ماده ۳۳۵ ـ مدعی العموم نیز باید در مورد رد استعفا نماید و اگر استعفا نکرد متهم یا مدعی خصوصی می تواند بمدعی العموم محکمه استیناف شکایت نماید

ماده ۳۳۶ ـ در صورتیکه بعد ازرسیدگی متهم‌ازجرمی که باو نسبت داده بودند برائت حاصل کرد محکمه‌او را مرخص میکنند

ماده ۳۳۷ ـ هرگاه جرم از درجه خلاف بوده‌و مدعی عمومی یا مدعی خصوصی ارجاع امر را بمحکمه خلاف در خواست ننمو ده اند محکمه جنحه رسیدگی کرده حکم می دهد

ماده ۳۳۸ ـ احکام محاکم جنحه‌باید در ظرف‌بیست و چهار ساعت بعد از صدور بامضای رئیس و اعضا ی محکمه برسد و ماهی دو مرتبه اصل احکام را مدعی عمومی مطالبه کرده ملاحظه میکنند منشی محکمه نمیتواند قبل از امضای حکم سوادی از آن بکسی دهد و الاازشغل خود معزول شده و دیگربخدمت دولتی‌قبول نمیشود

ماده ۳۳۹ ـ در صورتیکه جرم متهم بدرجه جنایت‌باشد محکمه جنحه از رسیدگی امتناع مینماید

مبحث سیم

در استیناف احکام محاکم صلحیه

ماده ۳۴۰ ـ استیناف موجب توقیف اجرای حکم نمی شود ولی اگر محکمه جنحه قبل از صدور حکم قرار ی در توقیف متهم بدهد و متهم از آن قرار استیناف به خواهد توقیف اجرای آن منوط به دادن وجه الضمانه یا کفیل است

ماده ۳۴۱ ـ اگر استینافی که ازحکم‌محکمه جنحه خواسته شده فقط راجع به‌مقدار ضرر و زیان باشد استیناف حکم باعث توقیف مجازات نمیشود

ماده ۳۴۲ ـ هرگاه مستانف بواسطه یکی از قرارهای استیناف پذیر استیناف بخواهد سایرتحقیقات محکمه جنحه جای خود باقی میماندو استینافقرار محکمه باعث تعطیل جریان محاکمه نخواهد شد یعنی محکمه جنحه منتظر حکم‌محکمه استیناف نشده محاکمه را امتداد میدهد

ماده ۳۴۳ ـ قرار هائیکه محکمه جنحه در ضمن محاکمه میدهد در موارد ذیل قبل از صدورحکم‌محکمه قابل‌استیناف است (۱) قرار های راجعه برد یا قبول عرایض و اعتراض بر حکم غیابی (۲) قرار های محکمه‌درباب جلو گیری متهم از فرار یا پنهان شدن یعنی خوا ستن

تامینات لازمه (از قبیل توقیف یا وجه الضمانه یا کفیل

(۳)قرارهای محکمه در تامین مدعی به دعوی خصوصی

(دعوی ضرر و زیان)

ماده ۳۴۴ ـ هرگاه محکمه جنحه نسبت بمتهمی که توقیف است حکم ار بی تقصیری صادر نماید این حکم فورا اجرا میشود ولواینکه مدعی عمومی یا مدعی خصوصی استیناف بخواهد

ماده ۳۴۵ ـ محکمه استیناف باید بشرح استنطاقات و تحقیقات اولیه ما رسیدگی نموده بعد از آن حکم بدهد و هر گاه مستانف از قرار مخصوص استیناف خواسته محکمه فقط در همان موضوع رسیدگی مینمایدکلیه محکمه استیناف خارج از آن چه محکمهٔ جنحه بدایتا رسیدگی نموده نمی تواند مداخله نماید

ماده ۳۴۶ ـ متداعیین در موقع استیناف از موضوع مطلب استینافیه نباید خارج شده مطلب دیگری بمیان آورند ولی حق دارند دلائلی که راجع بموضوع محاکمه است اظهار دارند اعم از آن که آن دلایل اسباب تخفیف یا اشتداد مجازات شود

ماده ۳۴۷ ـ در صورتیکه محکوم علیه استیناف خواسته باشد محکمه استیناف پس از رسیدگی میتواندنظر باوضاع

و احوال و دلائل امر در مجازاتیکه محکمه جنحه معین کرده تخفیف بدهد یا بکلی آن حکم را نسخ کند

ماده ۳۴۸ ـ تشدید مجازات یا تعیین مجازات برای متهمی که در محکمه جنحه برا ئت حاصل کرده است فقط در صورتی درمحکمه استیناف جایز است که استیناف را مدعی العموم خواسته باشد

ماده ۳۴۹ ـ پس از آنکه مستانف عریضه استیناف بدفتر خانه محکمه جنحه تقدیم نمود مدعی محکمه مزبوره باید دوسیه آن محکمه را بضمیمه نتیجه تحقیقات خود در ظرف ۲۴ ساعت نزد مدعی العموم استیناف بفرستد

ماده ۳۵۰ ـ مستانف در حال توقیف باشد بعد ازتقدیم عریضه استیناف و ثبت در دفتر مدعی العموم در ظرف ۲۴ ساعت او رابمحلی که بمحکمه نزدیك تر است تحویل نماید که در مدت محاکمه آنرا توقف باشد

ماده ۳۵۱ ـ اشخاص مفصله از احکام غیر قطعی محاکم جنحه حق استیناف دارند (۱) محکوم علیه (۲) مدعی العموم محکمه ابتدائی در مواردیکه حکم برخلاف ادعا نامه و عقیده او صادر شده و مشار الیه تسلیم بر آن حکم ننموده (۳) مدعی خصوصی ازحیث ضرر وزیان (٤] اشخاصی

که محکوم بتادیه ضرر و زیان مدعی خصوصی شده اند مدت استیناف ده روز است واین مدت از تاریخ‌اعلام حکم شروع میشود

ماده ۳۵۲ ـ روز رسیدگی بر حسب اصول بطرفین اعلام میشود طرفین میتوانند شخصا حاضر شوند یا وکیل بفرستند ولی اگرحاضر نشدند وکیل هم نفرستادند رسیدگی محکمه استینافی بتاخیر نمی افتد مگر درمواردیکه محکمه استیناف حضور طرفین و اشخاصی را که‌در امر جزائی دخیل اند لازم بداند

ماده ۳۵۳ ـ کیفیت محاکمه از قرار ذیل است (۱) قرائت صورت واقعهٔ که بتوسط یکی از اعضاءمحکمه‌نوشته است (۲) قرائت صورت استنطاقات (۳) کسب اطلاع از شهود و مطلعین اگر لازم باشد(٤)سئوالات‌وتحقیقات لازمه از طرفین (۵)اظهار عقیده‌مدعی‌العموم‌واعتراض متهم ـ ترتیبات رسیدگی و صدور حکم موافق اصولی است که برای محاکم جنحه مقرر است

ماده ۳۵٤ ـ هرگاه طرف مستانف لایحه توضیحات و اعتراضات خود را تاده روز رسیدگی تقدیم نکرده‌باشد محاکمه استینافی بتاخیر نمی‌افتد

ماده ۳۵۵ ـ احکام غیابی‌محکمه استیناف‌قابل‌اعتراض

است و اعتراض در همان مدت و بهمان ترتیب بعمل
میآید که برای احکام غیابی محاکم جنحه مقرر است

ماده ۳۵٦ ـ در صورتیکه بعد از محاکمه اتها میکه
بشخص متهم وارد شده از قبیل هیچ یك از خلاف و
جنحه جنایت نباشد و بموجب قانون نتوان اورا مجرم شمرد
محکمه شخص متهم را آزاد مینماید .

ماده ۳۵۷ ـ هرگاه در محکمه استیناف معلوم شود
جرمی که بمتهم نسبت داده شده از قبیل خلاف بوده و
مدعی العموم و مدعی خصوصی هیچ یك رجوع آن را
بمحکمه خلاف خواستار نشده اند محکمه استیناف رسیدگی
کرده حکم میدهد و تخلف از قانون را بمحکمه جنحه
اخطار می نماید

مادهٔ ـ ۳۵۸ ـ درصورتیکه در محکمه استیناف معلوم
شود که جرم از قبیل خلاف و جنحه نبوده بلکه جنایت
است محکمه متهم را نزد مستنطق میفرستند که تحقیقات
لازمه بعمل آورده و در موارد لازمه موافق قانون حکم
توقیف متهم را میدهد .

ماده ۳۵۹ ـ در صورتی معین شود که حکم برخلاف
قوانین محاکمات صادرشده و این تخلف باندازه مهم است
که در حکم محکمه مؤثر بوده و آن را از اعتبار حکم قانونی
می اندازد محکمه استیناف حکم را باطل کرده و اساسا

تجدید رسیدگی مینماید
ماده ۳۶۰ ـ محکوم علیه و مدعی عمومی میتوا نند از حکم محکمه استیناف تمیز بخواهد مدعی خصوصی نیز این حق را نسبت بضرر و زیان خود دارد

فصل ششم

در محاکم جنائی

مبحث اول

در تشکیل محاکم جنائی

ماده ۳۶۱ و ۳۶۲ ـ بموجب ماده واحد ـ ۳ تیر ماه ۱۳۰۶ نسخ و بجای آن ماده ذیل تصویب شده

ماده واحده ـ محکمه جنائی تشکیل می‌شود از ۵ نفر اعضاء محکمه استیناف و در جا هائیکه محکمه استینا ف بیش از یکشعبه نداشته باشد تکمیل عده از اعضاء علی البدل محکمه استیناف و حکام محاکم بدایت خواهد شد

ماده ۳۶۲ ـ وظایف مدعی العموم محکمه جنایت در محلهائیکه محکمه استیناف بر قرار است بعهده مدعی العموم محکمه استیناف و در صورت غیبت او بعهده یکی از وکلا

عمومی محکمه مزبوره که بر حسب اقدمیت نایب مناب مدعی العموم است میباشد منشی محکمه جنایت نیز دفتر دار محکمه‌استیناف است و در صورت غیبت‌او انجام وظایف بعهده یکی از معاو نین او بر حسب اقد میت خواهد بود در صورتیکه محکمه جنائی در محکمه‌ابتدائی تشکیل شود مدعی العمو می و دفتر دار محکمه مذ کوره وظایف خود را در آن محکمه نیز انجام میدهند

ماده ۳٦٤ ـ جلسات محکمه جنایت در هر سال‌برای دوره های معین مقرر است و در صورت احتیاج بطور فوق العاده نیز تشکیل میشور وزارت عدلیه دوره ها ی جلسات عادی محکمه جنایت و مدت دوره های‌مزبوره را معین و بمحاکم جنائی اعلام خواهد کرد

ماده ۳٦٥ ـ تعیین روز افتتاح بارئیس محکمه است و همینکه محکمه جنایت افتتاح شد باید تمام جنایاتی که قبل از افتتاح واقع شده بان محکمه ارجاع شود و پس از اتمام امور مزبوره محکمه جنایت تعطیل میشود

ماده ۳٦٦ ـ احکامیکه از محکمه‌جنایت صادر میشود فقط قابل تمیز است

مبحث دوم

درمقدمات محا کمه جنائی

ماده ۳٦۷ ـ رئیس محکمه جنایت باید بمتهم اخطار

نماید که میتواند یك نفر وکیل مدافع برای خود انتخاب کنند
و در صورتیکه متهم بخواهد وکیل معین کنند باید وکیل خود
را یکهفته قبل از جلسه محاکمه بمحکمه معرفی نماید

ماده ۳۶۸ ـ هر گاه خود متهم نتواند وکیل انتخاب نماید
باجازه او یکنفر وکیل برای او انتخاب می نماید سلب حق
تعیین وکیل مدافع ازمتهم باعث بطلان حکم است

ماده ۳۶۹ اخطار مذکور ماده قبل باید کتبی باشدوذیل
آنرا رئیس و منشی محکمه و خود متهم امضا مینماید و در
صورتیکه‌متهم استنکاف‌از امضاء نماید باید درذیل آن ورقه
استنکاف‌او را تصریح نماید و منشی محکمه‌امضاء نماید

ماده ۲۷۰ ـ در صورتیکه بر حسب ماده قبل اعلام لازم را
بشخص متهم ننمایند سکوت او حق اعتراض او را که ممکن
است باعث بطلان حکم شود ساقط نمیکنند و متهم حق‌دارد
که بعد او صدور حکم قطعی نیز اعتراضات خود را در
این باب بنماید

ماده ۳۷۱ ـ متهم‌یامدعی‌العموم میتوانندنسبت بقرار محکمه
استیناف که رسیدگی امری را راجع بمحکمه جنایت گرده
در موارد ثلاثه ذیل قبل‌از افتتاح جلسه محا کمه

اعتراض نموده نقل محاکمه را از محکمه بمحکمه دیگر بخواهند موارد مزبوره از موارد بطلان حکم است (اولا) در وقتیکه محکمه صلاحیت رسیدگی امر را نداشته باشد (ثانیا) در موردی که امر موافق قانون جنایت نباشد (ثالثا) در وقتیکه محکمه طوری تشکیل شده که قانونی محسوب نمی شود

ماده ۳۷۲ ـ اظهارات مزبوره در ماده قبل باید کتبی باشد و بدفتر محکمه داده شود و دفتردار باید فوراً پس از ثبت اظهارات مزبوره را بمدعی العموم محکمه استیناف داده و مدعی العمومی مذکور باید بمدعی العمومی دیوان تمیز ابلاغ و محکمه مزبوره فورا بدون اینکه منتظر نوبت شود رسیدگی کرده حکم دهد

ماده ۳۷۳ خواهش ابطال که راجع بموارد ثلاثه ماده ۳۷۱ است محاکمه را تا صدور حکم دیوان تمیز بتاخیر می اندازد ولی هرگاه استدعای ابطال بعد از افتتاح جلسه محاکمه یا در حین بعمل آید استدعای مزبور باعث توقیف محاکمه نمیشود و محکمهٔ جنایت حکم قطعی را پس ازصدور بدیوان تمیز می فرستد

ماده ۳۷٤ ـ نسبت باعتراضاتیکه بعدازانقضای مدت قانونی یادر حین محاکمه بعمل آمده راجع باینکه عقیده مدعی العموم درحین محاکمه استماع یا اینکه موافق ماده ۳۶۷ عمل نشده نیزموافق ماده قبل رفتار میشود

ماده ۳۷۵ ـ هرگاه مدعی العموم محکمه استیناف یا متهم یا مدعی خصوصی برئیس محکمه جنایت اظهار دارند که غیر از شهود سابقه که اطلاعات خود را نزد مستنطق اظهار داشته اند کسان دیگر می‌باشند که از اصل واقعه اطلاع دارند و اطلاعات آنان در محکمه جنایت لازم باشد در اینصورت رئیس محکمه میتواند آنانرا برای ادای شهادت احضار نماید

مادد ۳۷۶ ـ هرگاه یکی از شهود از حضور در محکمه استنکاف یا مسامحه نماید باید جلب شود

ماده ۳۷۷ ـ وکیل متهم می‌تواند سواد دوسیه را که راجع بامر متهم است از محکمه بخواهد ولیکن مخارجی که تعلق می‌گیرد برعهده خود او می باشد و متهم نیز می تواند صورت اسامی مطلعین را از محکمه مجانا بخواهد و رئیس محکمه و مدعی العمومی محکمه استیناف مکلفند که در اجرای این ماده کمال اهتمام را بنماید

مبحث سوم

در تحقیقات و کیفیت محاکمه

ماده ۳۷۸ ـ شخص متهم آزادانه در معیت مستحفظین که مواظبت عدم فرار او می‌باشند درمحکمه حضور میابد و رئیس تحقیق از اسم و خانواده و سن و شغل ومحل اقامت و مواد متهم بنماید

ماده ۳۷۹ ـ رئیس محکمه وکیل متهم را خطاب کرده اخطارمی کند که مشار الیه نباید چیزی برخلاف وجدان و قوانین بگوید و بایددرنطق خود رعایت ادب ومسالمت و ملایمت را بنماید

ماده ۳۸۰ — رئیس محکمه متهم را مخاطب داشته اظهار میدارد که از این ببعد باید کمال مواظبت را در آنچه ذکر میشود بنماید پس ازآن خطاب بکاتب محکمه نموده اظهار میدارد که تقاضا نامه مدعی العموم را قرائت کرده و کاتب محکمه باید فورا امر رئیس را مجری دارد

ماده ۳۸۱ ـ هرگاه اقامه دعوی را مدعی العموم کرده باشد رئیس محکمه بعد از قرائت تقاضا نامه مدعی العموم که در ذیل تحقیقات مستنطق در جلب بمحاکمه مندرج است علنا بمتهم تقصیرات او را اعلام داشته تمام دلائل تقصیر اورا میگوید و جواب و توضیحات متهم را استماع میکند هرگاه متهم اقرار صریح بتقصیر خود ننماید محکمه بتحقیقات شروع مینماید بدین ترتیب که اگر شهود واهل خبره باشند استماع شهادت و اطلاعات آنها بعمل میاید و بالات و ادوات استنطاق رسیدگی میشود پس از آن مدعی العموم ادعا نامه خود را بیان میکند و بعد مقصر یا وکیل مدافع او توضیحات لازمه را داده اظهارات خود را مینماید بعد هرگاه مدعی العموم باز اجازه نطق خواست بمتهم نیز اجازه نطق داده میشود و پس از این که مذاکرات بقدر کفایت

بعمل آمد رئیس باز یك دفعه بمتهم اجازه نطق داده مذاکرات را ختم میکنند

ماده ۳۸۲ - هرگاه اقامه دعوی را مدعی خصوصی کرده باشد به طوری رفتار میشود که در ماده (۳۲۱) مذکور است

ماده ۳۸۳ - مدعی العموم یا مدعی خصوصی باید در ظرف ۵ روز قبل از محاکمه صورت اسامی شهود را با تعیین شغل و محل اقامت و مولد و سن متهم بدهند و متهم نیز باید در مدت مزبوره اسامی شهود خود را بشرح فوق بمدعی العموم عرضه دارد و مدعی العموم ومتهم حق دارند که در موقع محاکمه باستماع شهود و مطلعین که اسامی آنان در مدت مزبوره بترتیبی که در این ماده مقرر است داده نشده اعتراض نمایند و محکمه باین اعتراض رسیدگی کرده قرار می دهند که محاکمه در حدود همان دوره بتاخیر افتد

ماده ۳۸۴ - رئیس مکلف است بشهود تکلیف نماید که باطاق علیحده رفته یك بیك برای ادای شهادت حاضر شوند و در صورت لزوم رئیس اقدام لازم را برای عدم ارتباط شهود با یکدیگر و با متهم خواهد نمود

ماده ۳۸۵ - قبل از استماع شهادت اسم شغل و محل اقامت و درجه قرابت نسبی یا سببی شاهد را با متهم یا مدعی خصوصی را می پرسد و همچنین استعلام مینماید که سابقا متهم را میشناخته است یا نه .

ماده ۳۸۶ ـ هر یك از شهود و مطلعین پس از از اظهار اطلاعات خود بایددر محکمه مدتی مکث کنند که اگر محکمه محتاج بتحقیقات ثانویه شود حاضر باشندمگر اینکه رئیس محکمه مکث آنان را لازم نداندوغایت مکث شهود و مطلعین تا زمانی است که هیئت حاکمه باطاق مشورت برای دادن رای میروند

ماده ۳۸۷ـ پس ار آنکه شهود مدعی عمومی وشهود مدعی خصوصی برای اثبات جنایت متهم اطلاعات خود را اظهار داشتند متهم می تواند از شهود خود بخواهد که اطلاعات خود را در محکمه اظهار دارند

ماده ۳۸۸ ـ رئیس محکمه باید بمنشی محکمه امر کند که هرگاه اختلافی درمیان اطلاعات مطلعین مشاهده مینماید مرقوم دارد که با اطلاع سابق و لا حق ایشان مطابقه کند

ماده ۳۸۹ ـ قطع کلام مطلعین در اثنای اظهار اطلاعات آنان بکلی ممنوع است ولیکن متهم یا مدافع بعد از اتمام میتواند آنچه دربی تقصیری متهم لازم بداند بتوسط رئیس محکمه از مطلعین سئوال نماید و رئیس محکمه نیز میتواند آنچه را که دراین باب لازم میداند سؤال کند و همچنین مدعی العموم و مدعی خصوصی میتواند بتوسط رئیس محکمه آنچه راکه لازم میدانند از مطلعین سؤال نمایند

ماده ۳۹۰ ـ شرایط شهود همان است که از ماده

(۲۴۴) الی ماده (۲۴۹) مذکور است

ماده ۳۹۱ - مطلعین اعم اینکه از طرف مدعی‌عمومی یا مدعی خصوصی یا متهم باشند نمیتواننددر محکمه نجوی نمایند و یاایضاحات از یکدیکر بخواهند

ماده ۳۹۲ - پس از آنکه مطلعین اطلاعات خود را دادند متهم میتواند از رئیس بخواهد که بعضی از آ نها را از محکمه خارج نموده و بعض دیکر ثانیا بالا نفراد یا بالاجتماع اطلاعات خود را بدهند و همچنین مدعی‌عمومی و رئیس محکمه این حق را دارند

ماده ۳۹۳ - رئیس محکمه میتواند قبل از استماع اطلاعات از مطلعین یا در اثناء یا بعد از آن ازمتهم درهرموردی که مقتضی بداند استنطاق‌نمایدومراقب باشد که اعاده مذاکرات سابق نشود

ماده ۳۹۴ - رئیس محکمه‌و مدعی عمومی‌و خصوصی و متهم میتواند کتبا مطالبی را که تحقیق‌میشودیادداشت نمایندولیکن‌بایدبقدر امکان مواظب‌باشندکه‌قطع کلام‌متکلم نشود

ماده۳۹۵- رئیس محکمه میتوانددراثناء اظهارات‌مطلعین یا بعد از آن آلات و ادوات تحقیقیه را بمتهم ارائه بدهد و نسبت بهر یك از آنها ازمتهم تحقیقات لازمه‌را بنماید

ماده ۳۹۶ - هرکاه‌یکی از شهود بر خلاف‌واقع شهادتی داد پس از ثبوت رئیس محکمه باستدعای مدعی العموم یا مدعی خصوصی یا متهم امر بتوقیف او مینمایدپس‌ازآن

خود رئیس یا یکی ازمعاونان او استنطاقات اولیه‌لازمه‌رادر حق او بعمل آورده نتیجه استنطاقات را با آن شخص به محکمه که صلاحیت رسیدگی را دارد میفرستند

ماده ۳۹۷ ـ در صورتیکه مدعی خصوصی یا متهم یا یکی از مطلعین زبان فارسی نداند باید یکنفرکه بالغ‌و رشید و محل اطمینان‌باشد مترجم برای او معین شود که‌در محکمه مطالب اورا طابق‌النعل‌بالنعل‌ترجمه کند‌و‌آن مترجم قبل‌ازشروع‌بترجمه‌باید متعهد شود که‌تغیری‌در مطالب و اظهارات متهم یا مطلعین ندهد

ماده ۳۹۸ـ مدعی العمومی و خصوصی‌ومتهم‌میتوانند مترجم را بترجماتی نپذیرند ولیکن باید دلائل‌عدم‌قبول‌را در محکمه اظهار دارند تا محکمه بعدم قبول مترجم‌قرار بدهد و آن مترجم باید از غیر هیئت حاکمه‌و مطلعین انتخاب شود ولو اینکه مدعی‌العمومی ومتهم درباب‌انتخاب او تراضی کرده باشند

ماده ۳۹۹ ـ در صورتیکه‌مدعی خصوصی‌یامتهم‌یامطلع گنگ و کر باشند و کتابت نیز نتوانند اشخاصی که‌از اشارات آنهااستفاده‌مطالب‌میکنند به تعیین رئیس محکمه‌مترجم آنان واقع میشوند و هرگاه کتابت‌میتوانند بایدمنشی‌محکمه سؤالات محکمه را در صفحه نوشته‌به آنان ارائه‌و جواب کتبی از آنان بخواهد

٤۰۰ — درصورتیکه متهمین متعدد باشند و اساس اتهام مستند بیکی از آنان باشد رئیس محکمه باید ابتداء بمحاکمه متهم اصلی و بعد بمحاکمه سایرین شروع کند

ماده ٤۰۱ ـ رئیس محکمه بعد از ختم بیانات مدعی العموم و متهم یا مدافع او حق ندارند برای اثبات یا نفی تقصیر متهم چیزی بگوید

ماده ٤۰۲ ـ بعد از تشکیل محکمه و اقامه دعوی تا زمانی که هیئت محکمه رای خود را اظهار نداشته است محاکمه تعطیل نمیشود و هیچیك از اعضا حق ندارند بطریق نجوی یا بنحوی دیگر مذاکراتی در اینموضوع بنماید رئیس حق دارد تنفس باعضای محکمه و شهود و متهم و غیره بدهد ولی این تنفس نباید از اندازه لزوم خارج شود

مبحث چهارم

در حکم و اجرای آن

ماده ٤۰۳ ـ رئیس محکمه متهم را اخطار مینماید و منشی محکمه رای محکمه را در حضور متهم علنا قرائت می کند

ماده ٤۰٤ ـ در صورتیکه عدم تقصیر متهم معلوم شود رئیس حکم برهائی او مینماید مگر اینکه علت دیگری برای توقیف او موجود باشد بعد از آن محکمه درباب خسارت وارده بهریك از طرفین با حضور طرفین و مدعی العمومی حکم می دهد

ماده ۴۰۵ ـ متهم در صورتیکه برائت او از تقصیر ثابت شده میتواند از اشخاصی که باو تهمت زده اند در محکمه ادعای خسارت نماید و کسانی که قانونا حق تفتیش در جنایات دارند مانند مدعی عمومی و اداره نظمیه و ژاندارم از این قاعده مستثنی هستند و ادعای خسارت در آنان جایز نیست ولی شکایت از آنان برؤسای مستقیم آنان جایز است

ماده ۴۰۶ ـ هر گاه کسیکه برائت خود راازتقصیر در محکمه حاصل کرد دیگر هیچکس در خصوص این تقصیر حق تعرض باو ندارد

ماده ۴۰۷ ـ هرگاه متهم در حین محاکمه بجنایت دیگری متهم شد اعم از اینکه آن اتهام بواسطه اطلاعات شهود و مطلعین یا بواسطه دلالت آلات و ادوات راجعه بآن جنایت باشد بعد از اثبات برائت او از تقصیری که محاکمه شده از حیث جنایت دیگر بترتیبی که اصولا مقرر است با او رفتار میشود

ماده ۴۰۸ ـ در صورتی که تقصیر مقصر قابل مجازات باشد محکمه مجازات قانونی او را معین مینماید اگر چه از محاکمه معلوم شود که رسیدگی بآن از وظایف محکمه جنایت خارج است

ماده ۴۰۹ ـ در صورتیکه مقصر در ارتکاب تقصیر معذور بوده مثل اینکه غیر بالغ یا مجنون باشد یادر مقام

مدافعه مرتکب تقصیر شده باشد محکمه حکم مقتضی را اعم از آنکه بر تخفیف مجازات یا بر استخلاص یا بفرستادن مجنون بدارالمجانین یا امثال آن باشد بطوریکه قانون تصریح میکند خواهد داد

ماده ۴۱۰ ـ هیئت محکمه برای صدور حکم باطاق مشاوره میروند و پس از مداقه و دادن رای رئیس محکمه باید مواد قانونی را که مبنای حکم است قرائت نموده و پس از آن حکم را اعلام نماید منشی محکمه باید موادقانونی را که بدان مجازات شخص مقصر معین گردیده باحکم محکمه مرقوم دارد و اگر تخلف از این وظیفه نمایدده تومان از مقرری او کسر خواهد شد

ماده ۴۱۱ ـ محکمه در وقت صدور حکم راجع بمجازات مقصر باید حکم خسارت مدعی خصوصی رانیز هرگاه تقاضا شده باشد بدهد

ماده ۴۱۲ ـ در مدت ۲۴ ساعت باید اصل حکم بتوسط منشی محکمه بامضاء و مهر هیئت حاکمه برسدودر صورتیکه منشی محکمه از اداء این تکلیف تکاهل ورزد بطریقیکه در ماده (۴۱۰) ذکر شد مجازات میشود

ماده ۴۱۳ ـ محکوم علیه حق دارد از زمان ابلاغ حکم باو در ظرف ۵ روز تمیز بخواهد و باید این مطلب را کتبا بمنشی محکمه اظهار دارد و مدعی العمومی و همچنین

مدعی خصوصی (در حق
که در مدت مزبوره از ت
ماده ٤١٤ ـ کلیه اح
جنایت صادر میشود امر
محکمه خواهد بود که
تواند در موقع اجرای
عمومی (نظـمیه و ژاندا
ماده ٤١٥ ـ اصول
اصولی است که برای محاکم جن
تکلیف آن تصریح شده اس

فصل

مواد ٤١٦ الی ٢٩
١٣٠٦ نسخ و بجای
شده است

« جرمهائیکه که مطابق
محکمه شرع رسیدگی میشو
مجازات آنها منحصر بحد
قانون مجازات عمومی مج
و بوسیله اداره مدعی
می شود

باب چهارم

در تمیز احکام جزائی

فصل اول

در موارد استدعای تمیز

ماده ۴۳۰ ـ موارد استدعای تمیز از قرار ذیل است (۱) در صورت نقص قوانین در باب تقصیر و مجازات آن (۲) در مورد عدم رعایت اصول و قوانین محاکمات جزائی در صورتیکه عدم رعایت قوانین مزبوره به اندازه اهمیت داشته باشد که در حکم محکمه مؤثر بوده و آنرا از اعتبار حکم قانونی بیندازد

ماده ۴۳۱ ـ احکام محاکم جنحه که قطعا (یعنی استینافا) صادر شده و احکام محاکم استیناف که بطور قطعی صادر شده و یا اگر غیابی بوده در موعد مقرر اعتراض بحکم غیابی نشده و قطعی گشته و احکام محاکم جنائی چه محاکم مزبوره در محکمه استیناف تشکیل شده باشد و چه در محکمه ابتدائی قابل تمیز است

فصل دوم

در اشخاصیکه میتوانند تمیز بخواهند

ماده ٤٣٢ ـ اشخاصیکه طرفیت در محاکمه داشته اند و یا آنکه از جهت حکم ضرری بر آنان وارد آمده حق خواستن تمیز را دارند

ماده ٤٣٣ ـ مدعیان عمومی ابتدائی و استیناف در صورتیکه تسلیم بر حکم محکمه ننمایند میتوانند در موارد نقض قوانین در مدت مقرره قانونی استدعای تمیز نمایند

ماده ٤٣٤ ـ مدعی العمومی تمیز میتواند در موارد نقض قوانین استدعای تمیز از احکام وقرار های مخالف قانون نماید بطوریکه در ماده (٤٦٤) و (٤٦٥) مقرر است

ماده ٤٣٥ ـ هر قرار یا حکمی را که وزیر عدلیه مخالف قانون دانست در صورتیکه قرار یا حکم مذکور قابل تمیز باشد میتواند بتوسط مدعی العمومی دیوان تمیز از آن قرار یا حکم تمیز بخواهد ومدعی العمومی مزبور در این مورد بهیچوجه حق رای شخصی نخواهد داشت فقط موظف است که در دیوان مذکور جهاتی را که وزیر عدلیه نموده اظهار دارد و نیز در صورت لزوم توضیح اظهارات وزیر عدلیه را بدهد .

ماده ۴۳۶ ـ در تمیزیکه وزیر عدلیه میخواهدهیچ شرطی ملحوظ نیست اعم از آنکه در مدت مقرره باشد یادر غیر آنمدت ولی نقض دیوان تمیز حکم محکمه تالی را اثری برای طرفین نخواهد داشت

ماده ۴۳۷ ـ مدعی خصوصی نیز از حکم قطعی محکمه میتواند تمیز بخواهد ولی فقط ازحیث نقض قوانین که بحقوق شخصی و منافع او مؤثر است

فصل سوم

در مدت وطریق استدعای تمیز

ماده ۴۳۸ ـ مدت معمولی استدعای تمیز ده (۱) روز است و ابتدای آن در احکام حضوری از زمان اعلام حکم و در احکام غیابی اززمان ابلاغ آن بشخص محکوم علیه یا اقامتگاه او محسوب می شود

ماده ۴۳۹ ـ هرگاه مدعی خصوصی یامدعی عمومی تمیز بخواهد پس از آنکه عریضه تمیزی در دفترمحکمه

---

(۱) مطابق ماده ۲ قانون موقتی راجع بهودایع ومواعد که بموجب مادهواحده مورخه ۲۷ بهمن ماه ۱۳۰۵ وضع شده است مدت ۵ روز مبدل به ۱۰ روزه شده

ثبت شد باید در ظرف سه روز باضافه یك روز برای
هر چهار فرسخ مفاد عریضه تمیزی بطرف یا محل اقامت
او ابلاغ شود ودر صورتیکه طرف در حبس باشد باید منشی
شعبه مزبوره در محبس رفته مضمون عریضه را برای او
قرائت نموده و بامضاء و مهر او برساند و درصورتیکه خط
یا مهر نداشته باشد و یا آنکه امتناع از امضاء یا مهر
کند در آنورقه قید می شود

ماده ۴۴۰ ـ هریك از مدعی خصوصی یا محکوم علیه
که تمیز بخواهند باید تمام دلایل حقانیت خود را درورقه
نوشته یا عریضه تمیزی بدفتر محکمه که حکم قطعی داده است
تقدیم دارند که دفتر مذکور پس از ثبت بتوسط مدعی العمومی
ابتدائی یا مدعی العمومی استیناف بمحکمه تمیز بفرستد در
لایحه مزبور باید جهات استدعای تمیز و مبانی قانونی و مواد
شکایت و تصریح باینکه از چه جهت عارض تمیز می نماید
و ازکدام محکمه ودرچه تاریخ حکم صادر شده است قید
کند دوسیه کار باآلات وادوات تحقیقیه وضمایم آن بدفتر
دیوان تمیز ارسال می گردد

ماده ۴۴۱ ـ در طهران میتوان عرضحال را مستقیماً
بدفتر خانه تمیز داده ودر ولایات بمحکمهٔ که از حکم آن استدعای
تمیز می شود داده میشود دفاتر محاکم بعد از دریافت
عرضحال قبض رسید بعارض میدهد

ماده ۴۴۲ ـ اشخاصیکه تمیز می خواهند ده تومان برسم وجه الضمانه بدفتر تمیز خواهند دادوجه مزبور در صورت محق بودن عارض باو مسترد و الا از بابت مخارج محاکمه محسوب میشود تکلیف اشخاصیکه از حیث ضرر و زیان شخصی تمیز می خواهد دراین‌موردموافق قانون محاکمات حقوقی است

ماده ۴۴۳ ـ اداره مدعی‌العمومی و همچنین مامورین دولتی در صورتیکه‌امری‌راجع بامور اداری‌یااز مستملکات دولتی (خالصجات) باشد از تادیه مبلغ مذکوردرماده‌فوق معاف خواهند بود و همچنین اشخاص فقیر و بی‌بضاعت از تادیه وجه مزبور معافند .

فصل چهارم

در اثرات تمیز و طریق شروع بمحاکمه

ماده ۴۴۴ ـ خواستن تمیزحکم موجب تعلیق‌اجرای آن است تعلیق‌عبارت است از موقوف الاجراماندن‌حکم تا ختم محاکمه در دیوان تمیز .

ماده ۴۴۵ ـ هرگاه‌در باره متهمی که درتوقیف‌است حکم برائت صادر شد استدعای تمیز اجرای حکم را بتعویق نمی اندازد و متهم رها میشود

ماده ۴۴۶ ـ استدعای تمیز اجرای‌حکم قطعی محکمه تالی را در صورتیکه محکوم‌بجزای‌نقدی‌و یا حکم راجع

بتادیه خسارت طرف باشد بتاخیر نمی اندازد مگر آنکه وجه محکوم به تا صدور حکم دیوان تمیز در صندوق محکمه یا جای مطمئن دیگری ودیعه گذاشته شود

ماده ۴۴۷ ــ دیوان تمیز پس از آنکه عریضه بتوسط یکی از متداعیین پذیرفت بطریقی که در مواردذیل ذکر می شود اقدام می نماید

ماده ۴۴۸ ـ عرایضی که بدیوان تمیز داده میشود به ترتیب نمره رسیدگی خواهد شد مگر در موارد فوری

ماده ۴۴۹ ـ صورت عرایض در دفتر دیوان تمیز ثبت شده و بتوسط رئیس شعبه جزاباضمایم آن بمميزين داده می شودتمیزبدون اینکه در باب قبول یا رد استدعای دیوان تمیز قبلا قراری بدهد شروع برسیدگی کرده عرض حال را رد و یا حکم صادر را نقض یا ابرام مینماید

ماده ۴۵۰ ـ مميزين بترتیبی که اوراق مذکوره در ماده فوق بایشان تقدیم شده پس از تحقیقات با خلاصه استنطاقات خود بشخص رئیس رد مینمایند

ماده ۴۵۱ ـ در روز محاکمه عضو مميز اوراق تحقیقیه خود را قرائت مینماید متداعیین یا وکلاء آنان باجازه رئیس رئیس شعبه مطالب خود را اظهار میدارند ومدعی العموم اخیر عقیدهٔ خود را اظهار میدارد و دیوان تمیز پس از آن باکثریت آراء حکم میدهد

ماده ۴۵۲ ـ متداعیین برای رسیدگی در دیوان تمیز احضار

میشوند ولی اگر بدون عذر موجه حاضر نشدند رسیدگی و صدور حکم بتاخیر نمی افتد

ماده ٤٥٣ . پس از آنکه طرفین بر حسب اصول احضار شوند حکم صادر از دیوان تمیز در هر حال حضوری محسوب است و قابل اعتراض نیست

فصل پنجم

در رد و قبول عریضه تمیزی

ماده ٤٥٤ ـ در صورتیکه عریضه تمیزی قابل قبول نباشد رد میشود

ماده ٤٥٥ ـ رد عریضه تمیزی منتج دوامر است (١) اجرای حکم صادر از محکمه تالی (٢) محسوب شدن وجه الضمانه ار بابت مخارج محاکمه

ماده ٤٥٦ ـ پس از آنکه دیوان تمیز امری را پذیرفته و بعد از محاکمه حکم محکمه تالی را نقض نمود باید مسئله را بدون داخل شدن بماهیت دعوی ارجاع بمحکمه دیگری که در عرض محکمه است که حکم داده بنماید

ماده ٤٥٧ ـ هرگاه عرضحال تمیزی را دیوان تمیز رد کرد استدعای تمیز مجددا قبول نمیشود

ماده ٤٥٨ ـ دیوان تمیز در موارد ذیل در صورتیکه حکمی را نقض کنند ارجاع بمحکمه دیگری نخواهد نمود و

اینموارد را موارد نقض بلا ارجاع گویند(اولا)در صورتیکه (در موارد عرفی)مرور زمان قانونا موجب اسقاط حق اقامه دعوی شده باشد (ثانیا) در صورتیکه نقض راجع به اساس حکم نباشد بلکه راجع باموری باشد که باساس حکم خلل وارد نمیاورد (ثالثا) در صورتیکه حکم صادر از محکمه تالی بر مجازات شخصی بعنوان جرم بوده و حال آنکه آن عمل بر فرض وقوع قانونا داخل در جرم نبوده و اصلا داخل در مجازات نیست (رابعا) در صورتیکه در موارد تقصیرات سیاسی بعد از اعلان عفو عمومی حکم بمجازات مقصر سیاسی صادر شده باشد (خامسا) در موارد مواد (٤٣٠) و (٤٣٦) و (٤٦٤) این کتاب [۱]

ماده ٤٥٩ ـ در صورتیکه مدعی خصوصی تمیز بخواهد و دیوان تمیز حکم محکمه تالی را از جهة حقوق خصوصی نقض کند رسیدگی را بمحکمه حقوق ارجاع میدارد

ماده ٤٦٠ ـ هرگاه محکمه تالی در تعیین مجازات تقصیری اشتباها استناد بیك ماده دیگر قانونی نموده ولی از این اشتباه تغییری در اندازه مجازات حاصل نشده باشد در اینصورت حکم محکمهٔ تالی نقض نمیشود ولی اخطار لازم بمحکمه که حکم داده خواهد شد

ماده ٤٦١ ـ بعد از قبول عریضه تمیزی و نقض حکم محکمه تالی محکوم علیه باید مخارج محاکمه و خسارات طرف را بعد از مطالعه و اثبات تادیه کند

فصل ششم

در کیفیت امر بعد از نقض و ارجاع

ماده ۴۶۲ ـ در صورتیکه دیوان تمیز حکمی را نقض نموده و بمحکمه دیگر ارجاع کنند اگر شخص محکوم علیه یا مدعی العمومی از جهتی غیر از جهت اولی تمیز بخواهد ترتیب خواستن تمیز و رسیدگی آن در دیوان تمیز بهمان ترتیب اولی خواهد بود ،

ماده ۴۶۳ ـ هرگاه شخص محکوم علیه از همان علل اولیه تمیز بخواهد دیوان تمیز در آن باب اجتماع عمومی نموده و رسیدگی خواهد نمود و اگر در اینموقع دیوان تمیز حکم محکمه را ازهمان نقض نموده محکمه تالی مرجوع الیها باید اطاعت حکم محکمه تمیز را بنماید

فصل هفتم

در مواردیکه مدعی العمومی دیوان تمیز از احکام قطعی محاکم تالی تر تمیز بخواهد

ماده ۴۶۴ ـ درصورتیکه محکمه جنحه یامحکمه استیناف

و یا جنایت قراری دهد یا حکمی صادر نمایدکه‌قابل تمیز باشد و هیچیك ازطرفین در مدت مقرره تمیز ازآن امر نخواهد مدعی العمومی دیوان تمیز من باب حفظ قانون‌از آن حکم تمیز میخواهد و دیوان تمیز پس ازرسیدگی اگر اظهارات مدعی العمومی را موافق قانون دید نقض مینماید ولی نقض آن حکم نفع یا ضرری‌ازبرای طرفین نخواهد داشت (تقاضای تمیز ونقض در این موارد برای حفظ قانون است)

ماده ٤٦٥ ـ تمیزیکه مدعی العموم دیوان تمیز میخواهد محدود بمدت نیست و هر وقت مطلع شد میتواند تقاضای تمیز نماید

باب پنجم

در اعادۀ محاکمه یاتجدید نظر

ماده ٤٦٦ ـ موارد قانونی اعاده محاکمه احکام قطعی محاکم (اعم از اینکه بموقع اجرا گذاشته شده یانشده باشد) از قرار ذیل است (اول) وقتیکه چند نفر به اتهام‌ارتکاب بتقصیری محکوم شده اند و تقصیرطوری است که بیش از یك مرتکب نمی تواند داشته باشد

(دویم) وقتیکه کسی باتهام قتل شخصی محکوم‌شده که آن شخص بعد پیداشده و یا محقق شده که‌درحال‌حیات است(سوم) در مواردیکه ثابت شود که مقصر بی‌تقصیر بوده یا آنکه جزائی که برای او معین است بواسطه اشتباه حکام عدلیه قانونا متناسب با تقصیر او نیست (چهارم) کشف و ثبوت اسناد جعلی یا شهادت جعلی که مبنای حکم بوده است

ماده ٤٦٧ ـ اشخاصی که صلاحیت استدعای اعاده محاکمه را دارند از قرارذیل‌می‌باشند(۱)محکوم علیه یا در صورت فوت او عیال و وراث قانونی او و همچنین اشخاصیکه ازطرف او ماموریت مخصوص‌دراین باب داشته اند (۲) درخواست مدعی العموم تمیز که مبتنی بر حکم و ماموریت از طرف وزیر عدلیه باشد

ماده ٤٦٨ ـ استدعای اعاده محاکمه بدیوان تمیز داده می شود دیوان مزبور پس از آنکه اطمینان‌ازجهة‌اوضاع و احوالی که باعث استدعای اعاده محاکمه شده‌است‌حاصل کرد رسیدگی کار را به محکمه دیگری که صلاحیت رسیدگی را دارد و در عرض محکمه ایست که حکم‌داده است رجوع می کنند

ماده ٤٦٩ ـ رای دیوان تمیزدر باب قبول اعاده محاکمه اجرای حکم را در صورتیکه اجرا شده باشد تا زمانی که اعاده محاکمه بانتها رسیده و حکم مجرد صادر شود

بتعویق میاندازد ولی تامین لازم برای جلوگیری ازفرار یامخفی شدن محکوم علیه بعمل میاید

ماده ۴۷۰ - بعد از شروع بمحاکمه ثانوی هرگاه دلایلی که محکوم علیه اقامه کنند قوی باشد اثرات حکم فورا توقیف و تخفیف لازم نسبت بحال محکوم علیه مجری ی شود ولی تخفیف مزبور نبایدباعث فرارمحکوم علیه‌ازمحاکمه یا مخفی شدن او بشود

ماده ۴۷۱ - در موارد جنحه نیز استدعای اعاده محاکمه پذیرفته است مگر در مورد محکومیت بجزای نقدی

ماده ۴۷۲ - رسیدگی ثانوی تابع قواعد و اصولی است که برای محاکمه‌بامور جزائی مقرر استو اعتراض شکایات موافق همان اصولی میشود

باب ششم

در اجرای احکام و مخارج عدلیه

فصل اول

در احکامی که بموقع اجراء گذاشته میشود

ماده ۴۷۳ - احکام جزائی محاکم عدلیه در موارد

ذیل بموقع اجرا گذاشته میشود (۱) در موارد احکام غیر قطعی که مدت استیناف و تمیز آن ها منقضی شده یا اینکه مدعی العموم و محکوم علیه از حق استیناف و تمیز خود صرف نظر کرده اند (۲) در مواردیکه محکوم علیه باحکام غیابی در مدت مقرر اعتراض نکرده و مدت استیناف و تمیز هم منقضی شده (۳) در صورتیکه از احکام قطعی نه مدعی العموم استدعای تمیز نموده و نه محکوم علیه (٤) در صورتیکه استدعای تمیز احکام قطعی قبول نشده است

ماده ٤٧٤ ـ هرگاه حکمی که صادر شده راجع به چند نفر محکوم علیه باشد و بعضی از آنها در مدت مقرر از حکم مذکور شکایت نمایند حکم مذکور بعد از انقضای مدت استیناف یا تمیز در باره سایر اشخاص که شکایت نکرده اند یا باشخاص شکایت کننده ملحق نشده اند قابل اجرا خواهد بود

ماده ٤٧٥ ـ هرگاه در مدت مقرر از حکمی فقط نسبت بضرر و زیان شکایت شود مفاد آن حکم نسبت بسایر موادی که موضوع شکایت نیست به موقع اجراء گذاشته می شود

فصل دوم

در اشخاصیکه احکام را مجری میدارند

ماده ٤٧٦ ـ اجرای احکام تا اندازهٔ که خارج از

اقدامات بلا واسطه محاکم نیست از قبیل اعلام بی‌تقصیری متهم و مرخصی او بتوسط خود محاکم بعمل می آید

ماده ٤٧٧ - هر گاه اجرای حکم باید بتوسط مامورین بعمل آید دادن تعلیمات آن بعهده مدعی العموم است و در اینصورت محکمه صورت حکم را با تصریحات لازمه بمدعی العموم ابلاغ میکنند و هر گاه اطلاعات مصرحه در حکم کافی نباشد سوادی بمشار الیه از صورت مجلس رسیدگی و محاکمه داده میشود

ماده ٤٧٨ - مدعی العموم درباب اجرای حکم تعلیمات لازمه را بمامورین دولتی داده نظارت در صحت اجراء و عدم تعویق و تعطیل آن مینماید اموریکه از وظایف نظمیه است بنظمیه و اجرا آتی که راجع بحکومت محلی یا سایر ادارات است باها رجوع میشود و ادارات و اشخاص مزبوره مکلفند که برطبق مفاد حکم و تعلیمات مدعی العموم که باید با حکم موافقت داشته باشد اقدام نمایند

ماده ٤٧٩ - هر گاه از مفاد حکم شك و شبهه یا سوء تفاهمی حاصل شود باید ادارات و اشخاص مزبوره توسط مدعی العموم بمحکمه حاکمه رجوع کرده توضیحات بخواهند

ماده ٤٨٠ - اجرای احکام راجعه بوجوه نقدی از قبیل تادیهٔ خسارت و مخارج عدلیه بعهده صاحب منصبان اجرای عدلیه است

ماده ٤٨١ ـ همین که حکم بموقع اجرا گذاشته شد مدعی العموم بوزیر عدلیه اطلاع میدهد

فصل سیم

در ترتیب اجرای احکام جزائی

ماده ٤٨٢ ـ احکام جزائی همینکه قابل اجرا شد فوراً بموقع اجرا گذاشته میشود

ماده ٤٨٣ ـ هر گاه حکم محکمه در برائت مقصر صادر شد حکم در حین اعلان اجرا می شود و شخص بری الذمه اگر متهم بتقصیر دیگری نباشد باید از تحت مراقبت و توقیف خارج شود

ماده ٤٨٤ ـ در موارد ذیل احکام قابل اجرا فوراً بموقع اجرا گذاشته نمیشود

(۱) در مورد محکوم علیه مریض در صورتیکه مرض او مانع ازاجرای مجازات بشخص اوست (۲) در مورد زنان حامله یا زنانی که تازه وضع حمل کرده اند تا ٤٠ روز بعد از وضع حمل (۳) در مورد زنانی که اطفال رضیع خود را شیر میدهند تا زمانیکه طفل آنان سن دوسال برسد ولی این در مواردی است که اجرای مجازات ضرری بطفل برساند (٤) در مورد لزوم تبدیل مجازاتی بمجازات دیگر که مطابقت

داشته باشد در اینصورت اجرای مجازات اولی تا امر تبدیل بعمل نیامده است بتعویق میافتد (۵) در صورت فرار محکوم علیه که اجرای حکم تا زمان دستگیر شدن او بتعویق میافتد ولی تادیه خسارت مخارج عدلیه ازمال او بعمل میاید

ماده ۴۸۵ ـ قبل از قصاص باید آداب مذهبی توسط اشخاصیکه صلاحیت دارند نسبت بمقصر بعمل آیددر موقع قصاص یا قتل باید مدعی العموم محکمه جنائی و همچنین رئیس نظمیه و منشی محکمه حاضر باشند و اگراجرای حکم در محوطه محبس میشود باید رئیس محبس حضور داشته باشد وکیل محکوم علیه نیز میتواند حاضر باشد بعد از حاضر کردن محکوم علیه در محل اجرای حکم مدعی العموم حکم اجرا را میدهد و منشی محکمه حکم محکمه را بصدای جلی قرائت میکند پس از آن حکم را مباشر اجرا مجری میدارد و صورت مجلسی مرتب و بامضای حضار میرسد

ماده ۴۸۶ ـ اشخاصی که محکوم بحبس هستند نزد روسای محبس با صورت حکم محکمه فرستاده میشوند

ماده ۴۸۷ ـ مدتی که محکوم علیه تا زمان اجرای حکم در توقیف بوده است جزء مدت حبسیکه برای او بحکم محکمه مقرر است محسوب خواهد شد غیر ازمواردی

که محکمه حکم بدهد که زمان توقیف سابق نباید حساب شود هرگاه محکوم علیه در زمان محاکمه و قبل از صدور حکم در توقیف نبوده است مدت حبس از زمانی حساب می شود که مشار الیه را توقیف کرده اند

ماده ٤۸۸ ـ طفل رضیع را از مادری که محکوم بحبس یا تبعید شده جدا نمیکنند مگر اینکه مادر بخواهد که طفل را بپدر یا اقربای دیگر او بسپارد

ماده ٤۸۹ ـ اشخاصیکه بنفی بلد و بودن در تحت نظارت نظمیه محل محکوم شده اند بمحل لازم فرستاده شده باداره نظمیه و حاکم محل اطلاع داده میشود .

ماده ٤۹۰ ـ اجرای احکامیکه توسط صاحب منصبان اجرا بعمل میاید بترتیبی است که برای اجرای احکام حقوقی محاکم عدلیه مقرر است

ماده ٤۹۱ ـ حکم برائت متهم در صورت تقاضای او بخرج خودش در مطبوعات رسمی اعلان میشود

فصل چهارم

در مخارج عدلیه

ماده ٤۹۲ ـ تمام مخارج عدلیه برعهده محکوم علیه است ولی اگر مدعی خصوصی باشد او بدوا میپردازد و

اگر نباشد صندوق پرداخته و بعد از محکوم علیه دریافت شده بمدعی خصوصی یا صندوق مسترد میشود

ماده ۴۹۳ ــ مخارج عدلیه از قرار ذیل است مخارج حرکت مامورین تحقیق حق الزحمه اهل خبره و مترجمین و طبیب و ارسال اسباب و آلات و ادوات تحقیقیه از هر نوع که باشد و خرج حرکت صاحب‌منبان نظمیه که ماموریت مخصوصی راجع بامر جزائی به آنان موکول شده و خرج حرکت اطبای قانونی که در خدمت دولت هستندو حق الزحمه شهود و مطلعین و مخارج طبع اعلانات در موارد لازمه

ماده ۴۹۴ ــ مقدار مخارج بموجب تعرفه که‌دروز ارت عدلیه مرتب و اعلان خواهد شد معین می شود ومحکمه مطابق همان تعرفه مقدار کلیه مخارج را معین کرده در حکم قید میکند

ماده ۴۹۵ ــ کلیه اوراقی که بمستنطق یا مدعی‌العموم یا محکمه داده‌میشود از عرضحال و اعتراض وشکایت‌نامه و غیره ازتادیه حق تمبر و مخارج محاکمه معاف است ولی از اوراق و عرایض که راجع بادعای خسارات‌باشد ولی موافق تعرفه که برای دعاوی حقوقی مقرر است مخارج عدلیه اخذ میشود .

ماده ۴۹۶ ــ حق سواد برای هر صفحه همان است

که در اصول محاکمات حقوقی معین است مفلسین از تادیه حق سواد معافند .

ماده ۴۹۷ ـ هرگاه کسي تاصدور حکم مطالبه خسارت از بابت مخارج عدلیه نکرده مثل این است که از حق خود صرف نظر کرده باشد .

ماده ۴۹۸ ـ مامورین تحقیق باید حساب مخارج را بطور صحت نگاهدارند و مستنطق بضمیمه نتیجه تحقیقات خود صورت مخارج را بمحکمه می دهد ،

ماده ۴۹۹ ـ محکوم علیهم متعدد باشند مخارج عدلیه میان آنان تقسیم می شود ومحکمه می تواند در این تقسیم نظر بمقصرین اصلی وفرعی داشته سهم هریك را نظر باهمیت تقصیر معین می کند .

ماده ۵۰۰ ـ هرگاه مدعی خصوصی ذیحق شد مخارج عدلیه را که پرداخته است میتواند از مقصر مطالبه نماید

ماده ۵۰۱ ـ هرگاه مدعی خصوصی بیحق در آمد و متهم بری الذمه شد مخارج عدلیه بر عهده شخص بیحق است

ماده ۵۰۲ ـ اگر در روز جلسه مقرره بدون عذر موجه مدعی خصوصی یا متهم حاضر نشود مخارج عدلیه از بابت آن جلسه بر عهده غایب است

ماده ۵۰۳ ـ در حکم محکمه همیشه باید معین شود که مخارج عدلیه بر عهده کیست و چه قسمت را کی باید

بدهد صورت تفصیلی مخارج را محکمه با تعیین این که
بچه وسیله و برای چه مقصود خرج شده است جداگانه
بعد از صدور حکم مرتب مینماید

ماده ٥٠٤ ـ هرگاه مخارج عدلیه بشخصی تعلق گیرد
که محکوم بتادیه خسارت مدعی خصوصی شده است اول
مخارج عدلیه گرفته میشود پس ازآن خسارت مدعی خصوصی

ماده ٥٠٥ ـ هرگاه بعد از آنکه حکم قابل اجرا شد
محکوم علیه وفات نموده مخارج عدلیه بایدازمال او تادیه شود

ماده ٥٠٦ ـ در صورتیکه محکوم علیه استطاعت تادیه
مخارج عدلیه را نداشته باشد و عدم استطاعت او مدلل
شود مخارج مزبور را در صورتیکه مدعی خصوصی نباشد صندوق
قبول میکند ولی هر وقت محکوم علیه مستطیع شد باید مخارج
مزبوره را تادیه کند

